

تحلیلی بر اندیشه و آثار جانانان ای. سی. براون: بازخوانی سنت نبوی در جهان مدرن

مهدی حبیب الهی
| ۲۹۹ - ۳۴۱ |

۲۹۹

آینه پژوهش | ۲۱۵ و ۲۱۶
سال ۳۶ | شماره ۵ و ۶
آذر و دی/ بهمن و اسفند ۱۴۰۴





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، شناخت اسلام‌شناسان معاصر در مغرب‌زمین به یکی از حوزه‌های مهم و راهبردی در مطالعات اسلامی بدل شده است. گسترش روزافزون پژوهش‌های اسلام‌شناسی در دانشگاه‌های آمریکای شمالی و اروپای غربی، به‌ویژه در پی تحولات سیاسی و رسانه‌ای دهه‌های اخیر، سبب ظهور نسل تازه‌ای از محققان و اسلام‌پژوهان شده است که در بازخوانی علمی و گفتمانی سنت اسلامی در فضای دانشگاهی غرب نقش چشمگیری ایفا می‌کنند.^۱

بخش قابل توجهی از این پژوهشگران، خود مسلمان‌اند یا گرایش عمیق به سنت اسلامی دارند و با تکیه بر شناخت مستقیم از منابع اصیل، تسلط بر زبان‌های اصلی این سنت (عربی، فارسی، ترکی و...) و بهره‌گیری از روش‌شناسی‌های نوین، می‌کوشند تصویر تحریف‌شده و سیاست‌زده‌ای را که از اسلام در فضای عمومی غرب ارائه شده، به چالش بکشند.^۲ این گروه از اسلام‌شناسان در تلاش‌اند با حفظ رویکرد تحلیلی و انتقادی، نسبت میان معرفت دینی سنتی و دستگاه‌های فکری روزآمد را بازتعریف کرده و زمینه گفت‌وگوی علمی میان سنت اسلامی و عقلانیت مدرن را فراهم سازند.

در این میان، شماری از چهره‌های برجسته مانند شرمن جکسون^۳، اینگرید متسون^۴ و جانانان ای. سی. براون^۵، نمایندگان نسلی‌اند که درصددند مطالعات اسلامی را با نگاه میان‌رشته‌ای، روش‌مند و درون‌فهمی بازسازی کنند. پروژه‌هایی نظیر دانشنامه آکسفورد در زمینه اسلام و حقوق^۶،

1. Reinhart, Kevin A., "Islamic Studies in the United States: Conversation and Commentary," *Die Welt des Islams*, vol. 51, no. 3-4, 2011, pp. 459-475. خلیل فضل‌الله؛

2. Brown, Jonathan A.C., *Hadith: Muhammad's Legacy in the Medieval and Modern World*, Oneworld Publications, 2009.

۳. Sherman A. Jackson استاد کرسی سلطنتی شاه فیصل در رشته اندیشه و فرهنگ اسلامی و استاد دین و مطالعات سیاهان در دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس (USC) او متولد ۱۹۵۶ است و آثار مهمی در فقه اسلامی، هویت مسلمان-آمریکایی و مسائل عدالت اجتماعی دارد، از جمله کتاب‌های *Islam and the Blackamerican* و *Islam and the Problem of Black Suffering* برای اطلاعات بیشتر: صفحه رسمی دانشگاه: USC: <https://dornsife.usc.edu/profile/sherman-jackson>

۴. Ingrid Mattson I استاد مطالعات اسلامی و روابط بین‌دینی در Huron University College در Western University کانادا. تولد ۲۴ اوت ۱۹۶۳ در کانادا، نویسنده کتاب *The Story of the Qur'an*؛ فعال در زمینه اخلاق اسلامی، عدالت جنسیتی، و گفت‌وگوی بین‌ادیانی. برای اطلاعات بیشتر: صفحه رسمی دانشگاه: Western: <https://huronu.ca/profiles/faculty/ingrid-mattson-phd/>

5. Jonathan A.C. Brown

6. Oxford Encyclopedia of Islam and Law

مؤسسه پژوهشی یقین^۱ و تحقیقات نوین در عرصه حدیث پژوهی، نمودهایی از این جریان فکری و علمی هستند.^۲

در میان این چهره‌ها، دکتر جاناتان ای. سی. براون (متولد ۱۹۷۷ میلادی در شهر واشینگتن) جایگاهی ممتاز دارد. وی تحصیلات خود را در دانشگاه‌های معتبری همچون دانشگاه شیکاگو^۳ و دانشگاه جرج تاون^۴ گذراند و از سال ۲۰۱۲، ریاست گروه تمدن اسلامی در دانشکده خدمات خارجی دانشگاه جرج تاون را بر عهده گرفت. دکتر براون، افزون بر تسلط بر زبان عربی، با تکیه بر شناخت عمیق از منابع کلاسیک اسلامی به ویژه در حوزه‌های حدیث، فقه و تاریخ اسلام، آثاری پدید آورده است که در محافل علمی جهان اسلام و نیز مجامع دانشگاهی بین‌المللی مورد توجه فراوان قرار گرفته‌اند.^۵

او از نسل جدید اسلام‌شناسان غربی است که پس از گرویدن به اسلام، با رویکردی تلفیقی میان روش‌های سنتی و آکادمیک، به پژوهش در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی پرداخته است. تلاش‌های علمی او در این زمینه، با هدف فهم انتقادی سنت اسلامی و بازخوانی آن در فضای دانشگاهی معاصر انجام می‌گیرد و مجموعه‌ای از آثار معتبر او، امروزه از منابع مهم در مطالعات اسلامی در جهان غرب به شمار می‌روند.

این مقاله می‌کوشد با نگاهی تحلیلی به زندگی، آثار و اندیشه‌های دکتر براون، جایگاه او را در منظومه اسلام‌شناسی معاصر بررسی کند. تحلیل مسیر علمی و تحولات فکری وی، از سویی بازتابی از دگرگونی‌های درونی حوزه مطالعات اسلامی در مغرب‌زمین است و از سوی دیگر، نشانه‌ای از امکان ایجاد پیوند میان سنت اسلامی و فضای فکری معاصر. چنین مطالعه‌ای می‌تواند به فهم دقیق‌تر ظرفیت‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های تعامل میان دین و دانش در جهان امروز یاری رساند.

1. Yaqeen Institute for Islamic Research

2. Brown, Jonathan A.C., "The Problem of the Speaking Qur'an and the Role of the Hadith in Islamic Law," *Yale Journal of Law and the Humanities*, vol. 24, no. 2, 2013, pp. 351-395; Yaqeen Institute for Islamic Research, "Research Publications," 2024, www.yaqeeninstitute.org.

3. University of Chicago

4. Georgetown University

5. Brown, Jonathan A.C., *Misquoting Muhammad: The Challenges and Choices of Interpreting the Prophet's Legacy*, Oneworld Publications, 2014.

۲. زندگی‌نامه و سیر علمی دکتر جاناتان ای. سی. براون

دکتر جاناتان ای. سی. براون در سال ۱۹۷۷ میلادی در شهر واشینگتن دی‌سی و در خانواده‌ای مسیحی وابسته به کلیسای اسقفی به دنیا آمد. باور به خداوند از کودکی در او وجود داشت، اما این باور بیش‌تر رنگی فرهنگی داشت تا التزامی دینی. نقطه عطف زندگی او در دوره کارشناسی در دانشگاه جرج تاون و هنگام گذراندن واحدی درباره اسلام رقم خورد؛ جایی که با تعالیم اسلام آشنا شد و دریافت تصویری از خداوند که در اسلام ارائه می‌شود، همان تصویری است که همواره در دل خود جست‌وجو می‌کرد. این آشنایی سبب شد که پیروی از اسلام را وظیفه‌ای معنوی برای خود احساس کند. او خود در مصاحبه‌ای اذعان کرده است که کتاب راهی به سوی مکه^۱ نوشته محمد اسد نقش تعیین‌کننده‌ای در این تحول فکری و ایمان آوردنش به اسلام داشته است. در نوزده سالگی اسلام آورد و به آموزه‌های فقهی مکتب حنبلی علاقه‌مند شد^۲.

براون تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته تاریخ در دانشگاه جرج تاون به پایان رساند و در سال ۲۰۰۰ با رتبه ممتاز^۳ و عضویت در انجمن فای بتاکاپا^۴ دانش‌آموخته شد. او در همین دوره گواهی‌نامه «مطالعات اسلام و فهم میان‌دینی اسلام و مسیحیت»^۵ را نیز دریافت کرد^۶. در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱، براون یک سال را در «مرکز مطالعات زبان عربی»^۷ دانشگاه قاهره گذراند و در آنجا به آموختن زبان و فرهنگ عربی پرداخت. سپس تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه شیکاگو در رشته «اندیشه اسلامی»^۸ در گروه زبان‌ها و تمدن‌های خاور نزدیک ادامه داد و در سال ۲۰۰۶ با نگارش رساله‌ای درباره تاریخ شکل‌گیری و کارکرد دو کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم، درجه دکتری خود را زیر نظر وداد قاضی دریافت کرد. این رساله سال بعد با

1. The Road to Mecca

2. WhyIslam, "Dr. Jonathan Brown: What led you to Islam?", YouTube, 22 December 2011, <https://www.youtube.com/watch?v=kR2SAg3bXm4>.

3. magna cum laude

۴. انجمن فای بتاکاپا (Phi Beta Kappa) یکی از معتبرترین انجمن‌های علمی ایالات متحده است که به دانشجویان برتر در علوم انسانی و علوم پایه اعطا می‌شود.

5. Certificate in Islam and Muslim-Christian Understanding

6. Berkley Center. "Jonathan A.C. Brown." Georgetown University. n.d. Available at: <https://berkleycenter.georgetown.edu/people/jonathan-brown> (Accessed July 30, 2025).

7. Center for Arabic Study Abroad – CASA

8. Islamic Thought

عنوان قانونی شدن صحیح بخاری و صحیح مسلم: شکل‌گیری و کارکرد صحاح حدیثی اهل سنت^۱ توسط انتشارات بریل منتشر شد.^۲

پس از فراغت از تحصیل، در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ در دانشگاه واشینگتن به تدریس اشتغال داشت و در سال ۲۰۱۰ به عنوان عضو هیئت علمی به دانشگاه جرج تاون پیوست. او از سال ۲۰۱۲ تاکنون کرسی «تمدن اسلامی»^۳ را در دانشکده خدمات خارجی^۴ این دانشگاه برعهده دارد. همچنین وی سردبیر ارشد دانشنامه آکسفورد درباره فقه اسلامی^۵ است و در پروژه‌های متعدد دانشگاهی بین‌المللی مشارکت داشته است.^۶

پژوهش‌های دکتر براون حوزه‌های متنوعی را دربر می‌گیرد؛ از جمله تاریخ حدیث و نقد متن، تاریخ فقه و تحولات فکری اهل سنت، تصوف و مباحث زبان‌شناختی عربی، و نیز مطالعات اجتماعی-دینی با موضوعاتی چون برده‌داری، نژاد و عدالت اجتماعی در تمدن اسلامی. او در سال‌های اخیر در کشورهایی همچون مصر، سوریه، ترکیه، مراکش، عربستان، یمن، آفریقای جنوبی، هند، اندونزی و ایران به پژوهش‌های میدانی پرداخته و علاوه بر تسلط کامل بر زبان‌های عربی و فارسی، با زبان‌های فرانسه، آلمانی و لاتین نیز آشنایی علمی دارد.^۷

از آثار مهم وی می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: قانونی شدن صحیح بخاری و صحیح مسلم: شکل‌گیری و کارکرد صحاح حدیثی اهل سنت، حدیث: میراث پیامبر (ص) در جهان میانه و معاصر^۸، محمد: درآمدی بسیار کوتاه^۹، تحریف سخنان پیامبر (ص)؟ چالش‌ها و انتخاب‌های تفسیر سنت نبوی^{۱۰}، برده‌داری و اسلام^{۱۱}

۳۰۴

آینه پژوهش | ۲۱۵ و ۲۱۶
سال ۳۶ | شماره ۵ و ۶
آذر و دی/ بهمن و اسفند ۱۴۰۴

1. The Canonization of al-Bukhari and Muslim: The Formation and Function of the Sunni Hadith Canon
2. Brown, Jonathan A.C., *The Canonization of al-Bukhārī and Muslim: The Formation and Function of the Sunni Hadith Canon*, Leiden-Boston: Brill, 2007.
3. Alwaleed bin Talal Chair of Islamic Civilization
4. School of Foreign Service
5. Oxford Encyclopedia of Islamic Law
6. Berkley Center, "Jonathan A.C. Brown
7. Jonathan A. C. Brown, "Profile," *Renovatio – Zaytuna College*, accessed July 30, 2025, <https://renovatio.zaytuna.edu/authors/jonathan-a-c-brown>
8. Hadith: Muhammad's Legacy in the Medieval and Modern World, 2009
9. Muhammad: A Very Short Introduction, 2011
10. Misquoting Muhammad: The Challenges and Choices of Interpreting the Prophet's Legacy, 2014
11. Slavery and Islam, 2019

این آثار، به همراه مقالات علمی متعددی که در مجلاتی چون «حقوق اسلامی و جامعه»^۱ و مجله جامعه خاورشناسی آمریکا^۲ و دیگر مجلات تخصصی حوزه مطالعات اسلامی منتشر کرده، نقش برجسته‌ای در تحول مطالعات حدیث و تاریخ فقه در فضای دانشگاهی غرب ایفا کرده‌اند.

از این رو، مسیر علمی دکتر براون را می‌توان آمیزه‌ای از تجربه‌های شخصی، پژوهش‌های گسترده و رویکردی تحلیلی دانست که هدف آن ارائه خوانشی انتقادی و در عین حال منصفانه از سنت اسلامی و ایجاد زمینه‌ای برای گفت‌وگو میان این سنت و فضای فکری معاصر است.

۳. حوزه‌های تخصصی و دیدگاه‌های علمی دکتر جانانان براون

دامنه‌ی پژوهش‌های دکتر جانانان براون گستره‌ای وسیع از علوم سنتی اسلامی تا مسائل اجتماعی و فکری معاصر را دربرمی‌گیرد. از یک سو، تمرکز اصلی او بر علوم حدیث و تاریخ شکل‌گیری سنت نبوی است؛ حوزه‌ای که براون با رویکردی انتقادی و در عین حال با نگاهی برخاسته از درون سنت اسلامی، به تحلیل مبانی، روش‌ها و تحولات آن پرداخته و کوشیده است نسبت این سنت با مطالعات تاریخی مدرن را روشن سازد. از سوی دیگر، مطالعات او به تاریخ فقه و نحوه تعامل این دانش با شرایط اجتماعی و سیاسی در سده‌های مختلف می‌پردازد و پیوند میان فقه و مسائل اخلاقی و اجتماعی، از جمله موضوعاتی همچون برده‌داری، تنوع اجتهاد و تحولات فکری اهل سنت را برجسته می‌سازد.

براون همچنین در آثاری که برای مخاطبان دانشگاهی و عمومی نگاشته، از جمله کتاب خود درباره زندگانی پیامبر (ص) اسلام، نشان داده است که چگونه منابع کلاسیک می‌توانند پاسخ‌گوی چالش‌های زمانه باشند، بی‌آن‌که اصالت و پویایی خود را از دست بدهند. در کنار این مباحث، پژوهش‌های اجتماعی او درباره برده‌داری و عدالت نژادی در تاریخ اسلام و بازخوانی جایگاه سیاه‌پوستان و بردگان در تمدن اسلامی نیز جایگاه ویژه‌ای در آثار او دارد. چنین گستره‌ای از موضوعات، بیانگر روش علمی ترکیبی اوست که از یک سو بر مبانی سنتی و دانش درون فرهنگی اسلامی تکیه دارد و از سوی دیگر، ابزارهای تحلیلی و روش‌شناسی انتقادی مطالعات دانشگاهی مدرن را به کار می‌گیرد. بر این اساس، نخستین و اصلی‌ترین عرصه فعالیت فکری او، یعنی علوم حدیث و تاریخ حدیث، نقطه آغاز بررسی در این بخش خواهد بود.

1. Islamic Law and Society

2. Journal of the American Oriental Society

۴. علوم حدیث و تاریخ حدیث

یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های پژوهش دکتر جانانان براون، مطالعه سنت حدیثی و تاریخ شکل‌گیری و تحول علوم حدیث در تمدن اسلامی است. او در این حوزه با بهره‌گیری از دو رویکرد مکمل - نخست، آشنایی عمیق با میراث درون‌دینی و روش‌شناسی محدثان مسلمان، و دوم، استفاده از تحلیل تاریخی-انتقادی^۱ و جامعه‌شناختی در فضای دانشگاهی مدرن - کوشیده است خاستگاه و مسیر تطور حدیث را در بسترهای فکری و اجتماعی آن بازخوانی کند. براون از یک سو به نقد پیش‌فرض‌های شرق‌شناسانه‌ای می‌پردازد که سنت حدیثی را ایستا و غیرتاریخی معرفی کرده‌اند، و از سوی دیگر، پیچیدگی روش‌های مسلمانان در نقد سند (اسناد) و متن را نشان داده و بر پویایی درونی این دانش تأکید می‌کند.

در میان آثار متعدد براون، دو کتاب او که حاصل تحقیقات عمیق ایشان درباره سنت حدیثی است، بیش از همه جایگاه او را در این حوزه تثبیت کرده است. نخستین اثر، که بر پایه رساله دکتری وی نگاشته شد، به بررسی فرایند تاریخی و اجتماعی شکل‌گیری جایگاه ممتاز دو مجموعه اصلی حدیثی اهل سنت و نقش آن‌ها در تثبیت مرجعیت علمی و فقهی پرداخت. کتاب دوم، که با نگاهی تحلیلی و آموزشی نوشته شده است، طرحی جامع از علوم حدیث، تاریخ تدوین و نقد روایات و نیز نقش احادیث در فقه، الهیات و فرهنگ اسلامی ارائه می‌دهد و به‌ویژه در ویرایش جدید آن، مباحث معاصر و تحولات اخیر این رشته برجسته شده است. این دو اثر در کنار مجموعه‌ای از مقالات تخصصی، اکنون از منابع مرجع در دانشگاه‌های غربی برای مطالعه تاریخ و نقد حدیث به‌شمار می‌آیند و نقطه عزیمت بخش حاضر از این نوشتار محسوب می‌شوند.

در کنار این دو کتاب شاخص، مجموعه‌ای از مقالات تخصصی براون نیز سهم چشمگیری در بازخوانی سنت حدیثی و معرفی روش‌های نقد روایات داشته است. او در این مقالات، که بخشی از آن‌ها در مجلات علمی معتبر منتشر شده‌اند، به پرسش‌های اساسی درباره میزان اعتبار روایات، شیوه‌های ارزیابی سند و متن و کارکرد احادیث در تاریخ اسلام پرداخته است. از جمله می‌توان به مقاله «آیا پیامبر (ص) چنین گفته است یا نه؟ حقیقت لفظی، تاریخی و کارکردی احادیث در اسلام سنتی»^۲، «قواعد نقد متن در سنت سنتی: هیچ قاعده‌ای وجود

۳۰۶

آینه پژوهش | ۲۱۵ و ۲۱۶
سال ۳۶ | شماره ۵ و ۶
آذر و دی/ بهمن و اسفند ۱۴۰۴

1. historical-critical

2. Jonathan A.C. Brown, "Did the Prophet Say It or Not? The Literal, Historical and Effective Truth of Hadiths in Sunni Islam", *Journal of the American Oriental Society*, vol. 129, no. 2, 2009, pp. 259-285.

ندارد»^۱، «حتی اگر درست نباشد، درست است: کاربرد احادیث غیرقابل اعتماد در اسلام سنتی»^۲ و «چگونه می‌دانیم ناقدان نخستین حدیث به نقد متن پرداخته‌اند و چرا آثار آن اندک است»^۳ اشاره کرد. این نوشته‌ها در کنار آثار کتابی او نشان می‌دهد که براون با بهره‌گیری از روش‌های تاریخ‌نگاری انتقادی و آگاهی دقیق از سنت درون‌دینی، در پی آن است که سنت حدیثی را نه مجموعه‌ای ایستا، بلکه پدیده‌ای پویا و پیچیده در متن تمدن اسلامی تبیین کند.

بر این اساس، در ادامه ابتدا به معرفی نخستین اثر مهم او در این زمینه، یعنی کتاب «قانونی شدن صحیح بخاری و صحیح مسلم: شکل‌گیری و کارکرد صحاح حدیثی اهل سنت» پرداخته خواهد شد و سپس ارزیابی‌ها و نقدهایی که درباره آن صورت گرفته است بررسی می‌شود.

۵. کتاب قانونی شدن صحیح بخاری و صحیح مسلم: شکل‌گیری و کارکرد صحاح حدیثی اهل سنت

۱-۵. ایده و زمینه شکل‌گیری

کتاب که در سال ۲۰۰۷ بر اساس رساله دکتری او در دانشگاه شیکاگو منتشر شد، از نخستین مطالعات روشمند غربی است که تاریخ حدیث را نه از منظر صحت تاریخی احادیث، بلکه از منظر جامعه‌شناسی دانش و فرایند شکل‌گیری اقتدار متنی بررسی می‌کند.^۴ براون در این اثر نشان می‌دهد که پرسش او این نیست که آیا احادیث صحیحین درست‌اند یا نادرست؛ بلکه این است که چگونه این دو مجموعه به تدریج توانستند در طول تاریخ، به جایگاه مرجعیت بی‌بدیل در سنت اهل سنت برسند و چه نقش هویتی، علمی و اجتماعی ایفا کردند.^۵

او این موضوع را با کنار گذاشتن «پرسش اصالت» و با تمرکز بر پویایی‌های اجتماعی و فکری پس از فروکش کردن آن بحث دنبال می‌کند. بر اساس فرضیه مرکزی کتاب، «قانونی شدن»^۶ فرآیندی تاریخی و

1. Jonathan A.C. Brown, "The Rules of Matn Criticism: There Are No Rules", *Islamic Law and Society*, vol. 19, no. 4, 2012, pp. 356–396.
2. Jonathan A.C. Brown, "Even if It's Not True, It's True: Using Unreliable Hadiths in Sunni Islam", *Islamic Law and Society*, vol. 18, no. 1–2, 2011, pp. 67–97.
3. Jonathan A.C. Brown, "How We Know Early Hadith Critics Did Matn Criticism and Why It's So Hard to Find", *Islamic Law and Society*, vol. 15, no. 2, 2008, pp. 143–173.
4. Brown, J. A. C., *The Canonization of al-Bukhārī and Muslim: The Formation and Function of the Sunni Hadith Canon*, 2007.
5. Ibid., pp. 3–5.
6. Canonization

ارادی است که در آن سه عامل - متن، اعتبار علمی و هویت جمعی - بایکدیگر تداخل پیدا می‌کنند. از نگاه او، صحیحین به دلیل تلاش گروهی از عالمان که در پی پاسخ به نیازهای علمی و اجتماعی زمان خود بودند، به مرور از یک متن حدیثی معمولی به «نماد اقتدار» تبدیل شدند.^۱

۲-۵. سه عامل اصلی در فرایند «قانونی شدن» از نگاه براون

براون در تحلیل پدیده «قانونی شدن» به روشنی نشان می‌دهد که اقتدار متون دینی بدون تداخل سه عامل اساسی شکل نمی‌گیرد: متن، اعتبار علمی و هویت جمعی.^۲ نخستین عامل، «متن»^۳ است. مقصود از متن در اینجا صرفاً یک نوشته یا کتاب نیست، بلکه هر اثر فرهنگی است که قابلیت تبدیل شدن به محور اقتدار را داشته باشد. براون با استفاده از چارچوب نظری مطالعات کانون توضیح می‌دهد که متن، فی‌نفسه اقتدار ندارد؛ این مخاطبان و جامعه علمی هستند که با نسبت دادن ارزش خاص به یک اثر، آن را به چیزی فراتر از مجموعه‌ای از کلمات و صفحات تبدیل می‌کنند. به تعبیر او، متن «قانونی شده» همان متنی است که فراتر از محتوای خود، به نمادی از سنت و مرجعیت بدل می‌شود. به همین دلیل است که «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» نه فقط به عنوان کتاب‌هایی در قفسه کتابخانه‌ها، بلکه به عنوان نمادهایی فیزیکی و قابل لمس از سنت پیامبر (ص) عمل کرده‌اند و حضور مادی‌شان در حلقات سماع و در آیین‌های عمومی، بخشی از اقتدار آن‌ها را ساخته است.^۴

عامل دوم، «اعتبار علمی»^۵ است. براون در توضیح این عامل نشان می‌دهد که چگونه از قرن سوم هجری به بعد، دانش حدیث اهل سنت یک دستگاه روشمند برای سنجش صحت روایت‌ها ایجاد کرد. در این روش، دقت در زنجیره راویان (اسناد)، بررسی محتوای متن (متن حدیث) و ارزیابی وثاقت و حافظه راویان سه رکن اساسی بودند. مجموعه‌ای که توانست این دقت روشی را به شکل کامل‌تری محقق کند، از سوی عالمان به عنوان «صحیح» پذیرفته شد. در این بستر بود که دو کتاب بخاری و مسلم به تدریج به اوج دقت انتقادی و معیار بالای اعتبار حدیثی شهرت یافتند.^۶ پذیرش تدریجی این آثار و شکل‌گیری «اجماع» علمی بر آن‌ها، در

1. Ibid., pp. 12-15.

2. Ibid., pp. 12-15, 28, 43.

3. Text.

4. Ibid., pp. 51-52, 161, 184.

5. Scientific Credibility.

6. Ibid., pp. 51-52, 161, 184.

نهایت به آن‌ها نوعی «قطعیت معرفت‌شناختی»^۱ بخشید؛ به گونه‌ای که یادکرد روایتی از این دو کتاب خود به عنوان مهر تأیید تلقی می‌شود.^۲

سومین عامل، «هویت جمعی»^۳ است. به نظر براون، هیچ متنی بدون این بعد اجتماعی نمی‌تواند کانونیت یابد. فرآیند قانون‌مندسازی متون، تنها یک فعالیت علمی نیست بلکه پروژه‌ای اجتماعی است که در آن جامعه علمی با اختصاص اقتدار به برخی آثار، مرزهای هویتی خود را مشخص می‌کند. این نقش در مورد صحیحین بسیار پررنگ است: در قرون چهارم و پنجم هجری، با افزایش تنوع مکاتب فقهی و کلامی، صحیحین به زبان مشترک همه این گروه‌ها تبدیل شدند. حتی حمایت‌های سیاسی از حلقه‌های تدریس بخاری و مسلم، مانند مجالس قرائتی که به همت نظام‌الملک سلجوقی برای تربیت نسل جدید نخبگان برگزار می‌شد، صحیحین را به نماد هویت سنتی بدل کرد و موجب شد که «وفاداری به این کتاب‌ها» در حکم وفاداری به جامعه اهل سنت تلقی شود.^۴ این دو کتاب در طول زمان نه تنها مرجعیت علمی، بلکه کارکردی نمادین نیز پیدا کردند؛ به گونه‌ای که حمل آن‌ها در لشکرکشی‌ها، قرائت آن‌ها در مراسم عمومی و حتی حضورشان در دعا‌های گروهی، نوعی اتصال به برکت و میراث پیامبر (ص) را نمایندگی می‌کرد.^۵

براون بر این اساس نتیجه می‌گیرد که فرایند قانونی‌شدن صحیحین تنها در پرتو هم‌زمان این سه عامل رخ داد: ابتکار و کیفیت متن، اجماع و پذیرش علمی شبکه عالمان، و نیاز یک جامعه علمی به نماد مشترک هویتی در فضایی پر از اختلاف و منازعه.

۳-۵. ساختار و محتوای اثر

در فصل نخست کتاب، مسئله اصلی به صورت روشن طرح می‌شود و نویسنده توضیح می‌دهد که این پژوهش درباره پرسش سنتی «اصالت احادیث» نیست، بلکه هدف آن توضیح روندی است که طی آن دو اثر صحیح بخاری و صحیح مسلم به ستون اصلی سنت اهل سنت تبدیل شدند. او برای تبیین این روند، مفهوم «قانونی‌شدن» را به عنوان چارچوب نظری معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه متون در یک جامعه علمی به اقتدار نمادین دست می‌یابند.^۶

1. epistemological certainty.

2. Brown, 2007, pp. 145, 177, 195, 206.

3. Collective Identity.

4. Brown, 2007, pp. 27, 194, 202, 362.

5. Ibid., pp. 335-360.

6. Brown, 200, pp. 20-25.

فصل دوم کتاب به طور کامل به این چارچوب نظری اختصاص دارد و با مقایسه سنت‌های دینی و ادبی مختلف، توضیح می‌دهد که «قانونی‌شدن» صرفاً به معنای گردآوری و فهرست کردن مجموعه‌ای از متون معتبر نیست، بلکه فرایندی پیچیده است که طی آن یک جامعه علمی به دلایل هویتی و معرفتی خاص، به برخی متون جایگاه و اقتداری ویژه می‌بخشد. در این فصل، مفاهیم محوری چون «متن کانونی»، «فرهنگ کانونی» و نقش اجتماع علمی در ایجاد این فرهنگ توضیح داده می‌شود.^۱

در فصل سوم، نویسنده به بستر تاریخی و فکری قرون دوم و سوم هجری می‌پردازد. او توضیح می‌دهد که چگونه در این دوره سنت‌های متنوع حدیثی و فقهی شکل گرفته بودند و بخاری و مسلم با ابتکار جمع‌آوری مجموعه‌ای محدود به احادیث صحیح، راهی نو را گشودند. این اقدام در ابتدا با بی‌میلی و حتی خصومت گروهی از محدثان و فقها مواجه شد؛ زیرا بسیاری از آنان به نقل‌زنده حدیث و تنوع مجموعه‌ها اهمیت بیشتری می‌دادند. براون نشان می‌دهد که خود بخاری نیز به دلیل مواضع کلامی خاصش در باب «مخلوق بودن الفاظ قرآن» از سوی برخی محافل رانده شد و حتی از نیشابور و بخارا اخراج گردید.^۲

فصل چهارم کتاب به دوره‌ای می‌پردازد که می‌توان آن را «مرحله نهایی قانونی‌شدن» دانست. در این دوره (از اواخر قرن سوم تا نیمه قرن پنجم هجری) شبکه‌های علمی در شهرهایی مانند نیشابور، جرجان و بغداد رشد یافت و شاگردان و مروجان صحیحین، با تکیه بر روایت و تدریس این دو اثر، زمینه پذیرش گسترده آنها را فراهم کردند. این دوره، به‌ویژه با شکل‌گیری کتاب‌های حدیثی چون «مستخرج» و «علل» و تدوین آثار نقدی بر صحیحین، به تدریج این دو کتاب را به نقطه مرجعیت نزدیک کرد.^۳

در فصل پنجم، نقش محوری حاکم نیشابوری بررسی می‌شود. براون استدلال می‌کند که حاکم با تألیف کتاب المستدرک و با استفاده از معیارهای بخاری و مسلم توانست مرزهای صحیح را گسترش دهد و در عین حال، اقتدار این دو کتاب را در ذهن جامعه علمی تثبیت کند. او با این کار، صحیحین را به معیاری برای صحت حدیث تبدیل کرد و از این طریق اجماعی را پدید آورد که محتوای صحیحین تقریباً معادل با «یقین» تلقی شد.^۴

1. Ibid., pp. 20–46.

2. Ibid., pp. 55–60.

3. Ibid., pp. 99–151.

4. Ibid., pp. 110–125.

بخش دوم کتاب به پیامدها و کارکردهای صحیحین در جامعه علمی و فرهنگی مسلمانان اختصاص دارد. در فصل ششم، نویسنده نشان می‌دهد که چگونه صحیحین از قرن پنجم هجری به بعد سه کارکرد بنیادین یافتند: نخست، معیاری برای سنجش صحت احادیث و فصل الخطاب در مباحث علمی؛ دوم، مرجع قابل اعتماد برای فقهای که تخصص کافی در نقد سند نداشتند؛ و سوم، الگویی روش‌شناختی که قواعد و معیارهای نقد حدیث را شکل داد.^۱

فصل هفتم به شکل‌گیری فرهنگ کانونی می‌پردازد. در این فصل، براون نشان می‌دهد که چگونه علمای بزرگ، از جمله خطیب بغدادی، ابن صلاح، نووی و ابن حجر، با خوانشی خیرخواهانه و بازنویسی تاریخیچه صحیحین، این دو کتاب و مؤلفانشان را به عنوان نمادهای بی‌نقص و بی‌بدیل معرفی کردند و بدین ترتیب، اقتدار آنها را از گزند نقد جدی حفظ کردند.^۲

در فصل هشتم، موضوع نقد صحیحین پس از قانونی‌شدن مطرح می‌شود. براون نشان می‌دهد که جریان‌های اصلاحی و سلفی در دوران جدید، به‌ویژه شخصیت‌هایی چون محمد ناصرالدین آل‌بانی، دوباره روایات این دو کتاب را با معیارهای جدید بررسی کردند و گاه اعتبار برخی احادیث آنها را زیر سؤال بردند. این نقدها موجب شد که جدال تازه‌ای میان سنت‌گرایان و اصلاح‌گران شکل گیرد.^۳

فصل نهم بُعد آیینی و نمادین صحیحین را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که این دو کتاب نه تنها در حوزه علمی و فقهی، بلکه در آداب دینی و حتی در مراسم اجتماعی و سیاسی نیز به نماد حضور پیامبر (ص) در میان مسلمانان تبدیل شدند؛ برای مثال، استفاده از آنها در مجالس عمومی تلاوت، مناسک دعا یا حتی همراه داشتن آنها در لشکرکشی‌ها.^۴

در نهایت، فصل دهم کتاب یافته‌های پژوهش را جمع‌بندی می‌کند و نشان می‌دهد که قانونی‌شدن صحیحین محصول شرایط تاریخی خاص و انتخاب‌های آگاهانه عالمان است. این فرایند با شکل‌گیری نظم ستی، نهادینه‌شدن آموزش و حمایت‌های سیاسی تقویت شد و دو کتاب بخاری و مسلم به محور وحدت جامعه ستی و معیار مشترک آن بدل شدند.^۵

1. Ibid., pp. 150–170.
2. Ibid., pp. 262–298.
3. Ibid., pp. 230–250, 300–334.
4. Ibid., pp. 335–358.
5. Ibid., pp. 360–378.

۴-۵. نوآوری‌ها و دستاوردهای کتاب

کتاب براون از چند جهت اثری نوآورانه در حوزه مطالعات حدیث و تاریخ اندیشه اسلامی به شمار می‌آید. مهم‌ترین نوآوری آن در تغییر زاویه دید است: نویسنده به جای آنکه همچون اغلب آثار پیشین، در پی داوری درباره صحت یا عدم صحت روایات باشد، کانون توجه خود را به سازوکارهای اجتماعی، شبکه‌ای و فکری شکل‌گیری اقتدار متنی معطوف کرده و نشان داده است که پدیده «قانونی‌شدن» بیش و پیش از هر چیز، یک روند تاریخی و جمعی است. او با طرح این فرضیه کلیدی که اقتدار صحیحین تنها از متن برخاسته، بلکه محصول تعامل سه عامل متن، اعتبار علمی و هویت جمعی است، الگویی نظری ارائه می‌دهد که فراتر از مطالعات سنتی حدیثی قرار می‌گیرد و در عین حال به تحلیل جامعه‌شناختی پدیده‌ای دینی عمق می‌بخشد.

از دیگر دستاوردهای این اثر، تأکید بر نقش شبکه‌های آموزشی و حلقات علمی در انتقال و تثبیت جایگاه صحیحین است. براون به خوبی نشان می‌دهد که این دو کتاب از رهگذر پویایی‌های آموزشی و اجماع تدریجی عالمان، از مرحله یک متن علمی صرف به نماد هویت اهل سنت ارتقا یافتند. او به این نکته توجه می‌دهد که این روند تدریجی و توافقی بود و نه یک تصمیم ناگهانی یا ناشی از صرف امتیاز ذاتی محتوای کتاب‌ها.

نوآوری مهم دیگر کتاب، بازخوانی جایگاه حاکم نیشابوری در تاریخ سنت حدیثی است. در حالی که در برخی جریان‌های معاصر، به ویژه در نقدهای حاشیه‌ای و حتی گاه با انگیزه تضعیف، نسبت‌های جانبدارانه یا اتهاماتی مانند گرایش به تشیع به او داده شده است، براون در تحلیلی بی‌طرفانه نشان می‌دهد که نقش حاکم نیشابوری دقیقاً معکوس این تصویر بوده است: او با تألیف المستدرک و با استفاده از معیارهای صحیحین، موجب تحکیم و تثبیت موقعیت این دو اثر در قرن پنجم هجری شد و به تعبیر نویسنده، حلقه پایانی قانونی‌شدن صحیحین را شکل داد. این نگاه تازه به جایگاه حاکم و نقش او در روند تاریخی مرجعیت حدیثی، یکی از دستاوردهای مهم کتاب محسوب می‌شود.

به این ترتیب، اثر براون الگویی جدید برای مطالعه پدیده اقتدار متون دینی ارائه می‌کند و اکنون به عنوان یکی از منابع مرجع و پایه‌ای در مطالعات دانشگاهی غرب و شرق درباره تاریخ حدیث اهل سنت و مفهوم «قانونی‌شدن» متون دینی شناخته می‌شود.^۱

1. Melchert, 2008; Berkeley, 2008.

۵-۵. نقدها و دیدگاه‌های پژوهشگران

کتاب قانونی شدن صحیح بخاری و صحیح مسلم: شکل‌گیری و کارکرد صحاح حدیثی اهل سنت پس از انتشار در سال ۲۰۰۷ با استقبال گسترده اسلام‌شناسان و پژوهشگران تاریخ حدیث روبه‌رو شد و در نشریات معتبر بین‌المللی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. مجموعه این نقدها نشان می‌دهد که اثر براون، در عین آنکه طرحی تازه برای مطالعه تاریخ حدیث ارائه می‌دهد، پرسش‌های جدیدی را درباره مفهوم «قانونی شدن» و سازوکار اقتدار صحیحین گشوده است.

تقریباً همه منتقدان این اثر بر آن اند که مهم‌ترین دستاورد کتاب براون، تغییر زاویه نگاه از پرسش سنتی «اصالت یا عدم اصالت حدیث» به تحلیل جامعه‌شناختی و تاریخی شکل‌گیری مرجعیت حدیثی است. این تغییر رویکرد، کتاب را به اثری پیشرو در حوزه مطالعات بین‌رشته‌ای اسلام‌شناسی تبدیل کرده است.^۱

ملچرت تأکید می‌کند که این کتاب به خوبی نشان داده است چگونه دو مجموعه بخاری و مسلم از آثاری بحث‌برانگیز و محدود، به مرجعیت نهایی و نماد اقتدار علمی اهل سنت بدل شدند و در این مسیر، نویسنده نقش حلقه‌های علمی، بستر اجتماعی و نیز شخصیت حاکم نیشابوری را به عنوان عاملی اساسی برجسته کرده است.^۲

برکی این کتاب را پاسخی دقیق به یکی از پرسش‌های بنیادین مطالعات اسلامی می‌داند: چرا و چگونه این دو کتاب چنین جایگاهی یافتند؟ او استدلال می‌کند که براون نشان داده است مرجعیت فعلی صحیحین نه حاصل اراده مؤلفان، بلکه محصول اجماع تدریجی جامعه علمی است.^۳

همچنین کیلپاتریک با اشاره به استفاده گسترده براون از نسخه‌ها و منابع کم‌تر شناخته شده، کتاب را اثری می‌داند که با رویکردی نو و دامنه وسیع اطلاعات، پیچیدگی‌های تاریخی این فرایند را با دقت ترسیم کرده است.^۴

1. Melchert, C. (2008). *Review of The Canonization of al-Bukhārī and Muslim: The Formation and Function of the Sunni Ḥadīth Canon* by Jonathan Brown. *Journal of the Royal Asiatic Society*, 18(4), 526–528.

2. Ibid.

3. Berkey, J. P. (2009). *Review of The Canonization of al-Bukhārī and Muslim: The Formation and Function of the Sunni Ḥadīth Canon* by Jonathan Brown. *Journal of Near Eastern Studies*, 68(1), 74–75.

4. Kilpatrick, H. (2009). *Review of The Canonization of al-Bukhārī and Muslim ...*, *Journal of Near Eastern Studies*, 68(1), 72–74.

منتقدان ضمن بیان تحسین‌آمیز نوآوری روش شناختی اثر، چند محور تحلیلی کتاب را از نقاط قوت آن دانسته‌اند. یکی از این محورها، تأکید براون بر این است که فرآیند کانونی‌شدن صحیحین، تصمیمی فردی از سوی بخاری و مسلم نبود، بلکه برآمده از شبکه گسترده‌ای از عالمان و حلقات آموزشی بود که به مرور این آثار را در جایگاه مرجعیت قرار دادند.^۱ محور دوم، برجسته‌سازی نقش حاکم نیشابوری است؛ کسی که با تألیف المستدرک و با استفاده از معیارهای صحیحین، سنتی از «اعتباربخشی» را ایجاد کرد که در قرون بعدی به استحکام جایگاه این دو اثر انجامید.^۲ محور سوم، بازسازی تاریخی روند پذیرش صحیحین است که به وضوح نشان می‌دهد این پذیرش در آغاز محتاطانه و گاه خصمانه بود و چند قرن زمان برد تا صحیحین به جایگاه کنونی دست یابند.^۳ افزون بر این، کتاب نشان می‌دهد که صحیحین به مرور سه کارکرد عمده پیدا کردند: مرجع معیار برای اعتبار احادیث، منبع مورد اعتماد برای فقیهانی که تخصص حدیثی نداشتند، و الگویی برای نقد حدیث که شیوه‌شناسی علم حدیث را تعیین کرد.^۴

در کنار تحسین‌های گسترده، برخی نکات انتقادی نیز از سوی منتقدان مطرح شده است. نخست آنکه برخی از مفاهیم کلیدی همچون «اجماع» و «تواتر» در کتاب از بعد نظری به اندازه کافی بسط نیافته‌اند و جای تحلیل عمیق‌تر داشته‌اند.^۵ به نظر می‌رسد که در بازسازی زمینه‌های اختلاف بخاری با برخی حلقات نیشابور و موضع فقهی او، برخی منابع معتبر نادیده گرفته شده است.

کیلپاتریک از زاویه‌ای دیگر به روش‌شناسی کتاب نقد وارد می‌کند و می‌گوید به کارگیری مفهوم «کانونی‌شدن» که ریشه در مطالعات کتاب مقدس دارد، در مورد سنت حدیثی اسلامی باید با احتیاط تفسیر شود و جنبه‌ای استعاری دارد؛ زیرا تاریخ حدیث گستره‌ای طولانی‌تر و پیچیده‌تر را در بر می‌گیرد و نمی‌توان آن را کاملاً با مدل مسیحی مقایسه کرد.^۶

از جهت دیگر، سبک دانشگاهی کتاب و غلبه زبان تخصصی باعث می‌شود که این اثر هرچند برای پژوهشگران ارزشمند است، ولی دسترسی عمومی به یافته‌های آن محدود بماند.^۷

1. Berkey, 2009, p. 36.

2. Melchert, 2008.

3. Berkey, 2009.

4. Brown, 2007, pp. 150–170.

5. Melchert, 2008.

6. Kilpatrick, 2009.

7. Berkey, 2009.

در مجموع، نقدهای منتشرشده پیرامون این کتاب اتفاق نظر دارند که اثر براون یکی از مهم‌ترین و الهام‌بخش‌ترین آثار در مطالعات تاریخ حدیث است. این اثر با تغییر زاویه نگاه از پرسش «اصالت حدیث» به تحلیل فرآیند «کانونی‌شدن» و بررسی کارکرد اجتماعی متون، زمینه‌ای تازه برای گفت‌وگوهای علمی گشوده است. هرچند برخی کاستی‌ها در سطح جزئیات تاریخی یا چارچوب نظری وجود دارد، اما ارزش اصلی کتاب، یعنی ارائه الگویی تحلیلی نو برای فهم مرجعیت صحیحین، مورد تأکید همه منتقدان قرار گرفته است.

۶. کتاب حدیث: میراث محمد در جهان میانه و معاصر

۱-۶. ایده و زمینه شکل‌گیری

این کتاب که نخستین بار در ۲۰۰۹ منتشر شد و ویرایش دوم آن در ۲۰۱۸ به همت انتشارات وان ورد آکادمیک^۱ انتشار یافت، یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین آثار آموزشی و تحلیلی در حوزه سنت حدیث است^۲. براون در مقدمه کتاب تصریح می‌کند که «شناخت اسلام بدون شناخت جایگاه حدیث ممکن نیست» و هدف او ارائه یک مطالعه جامع از پیدایش، انتقال، نقد و کارکردهای حدیث در تمدن اسلامی است^۳.

وی تأکید می‌کند که این کتاب حاصل پرسش شخصی او نیز هست که آیا سنت حدیثی اهل سنت بازتاب دقیقی از سخنان و سیره پیامبر اسلام (ص) است یا خیر، و از همین رو خود را «خادم الحدیث الشریف» معرفی می‌کند^۴.

رویکرد او در این کتاب دو سویه است: از یک سواز روش درونی و سنتی دانشمندان مسلمان برای بازنمایی تاریخ حدیث بهره می‌گیرد و از سوی دیگر از نگاه تحلیلی و انتقادی آکادمیک غربی برای بازخوانی این میراث استفاده می‌کند. این ویژگی باعث شده است که کتاب او نه یک دفاعیه صرف باشد و نه نقدی صرفاً بیرونی، بلکه روایتی متوازن و تحلیلی ارائه دهد.

ویرایش دوم این کتاب تغییرات مهمی نسبت به چاپ اول دارد: تصحیح اشتباهات و به‌روزرسانی مثال‌ها، افزودن یک فصل جدید درباره نقش حدیث در سیاست (فصل هشتم)،

1. Oneworld Academic

2. Brown, J. A. C., *Hadith: Muhammad's Legacy in the Medieval and Modern World*, 2nd ed., Oneworld, 2018, pp. 1-3.

3. Ibid., p. 2.

4. Ibid., p. 7.

توسعه چشمگیر بخش مربوط به رویکردهای غربی (فصل نهم)، و اضافه کردن یک موردکاوی تازه درباره اعتبار حدیث در فصل سوم^۱.

۲-۶. ساختار و محتوای اثر

کتاب براون در یازده فصل تنظیم شده است و به صورت گام به گام از مفاهیم بنیادین و ساختار انتقال حدیث تا کارکردهای فقهی، کلامی و تصوفی، و سپس مناقشات مدرن درباره اعتبار این میراث را پی گیری می کند^۲.

۱-۲-۶. فصل های آغازین: مبانی و شکل گیری دانش حدیث

فصل نخست کتاب با یک صحنه زنده از فضای معاصر آموزش دینی در الازهر قاهره آغاز می شود، جایی که یک مرد روستایی از مفتی آینده مصر درباره بازگشایی مدرسه مختلط پسران و دختران سؤال می کند و پاسخ او نه بر پایه فتوای پیچیده بلکه بر کلام پیامبر (ص) است؛ همین صحنه محور اصلی فصل را روشن می سازد: اقتدار و مرجعیت سنت پیامبر (ص) در زندگی روزمره مسلمانان^۳. براون در ادامه نشان می دهد که سنت اسلامی نه تنها از قرآن بلکه از میراث گفتار و کردار پیامبر (ص)، یعنی «سنت»، شکل گرفته است و این سنت، در طول قرن ها، منشأ احکام فقهی، آداب اجتماعی، الهیات و عرفان اسلامی بوده و در عمل همچون عدسی ای برای فهم و تفسیر قرآن عمل می کند^۴.

او توضیح می دهد که برخلاف قرآن، که در زمان حیات پیامبر (ص) گردآوری شد، احادیث از طریق حافظه و سپس نگارش طی نسل ها منتقل شدند و به سبب جنگ های داخلی و کشمکش های فرقه ای، جعل احادیث هم رخ داد. دغدغه اصلی عالمان مسلمان از همان آغاز تمیز روایت معتبر از نامعتبر بود و ابزار اصلی آنها «اسناد» یا زنجیره راویان بود که مطلبی در قالب «متن» را به پیامبر (ص) پیوند می داد^۵. براون با ذکر نمونه هایی از سنت زنده اجازه نقل حدیث و فهرست های اسناد که شاگردان از استادان خود دریافت می کنند، نشان می دهد که اسناد تنها وسیله ای برای اثبات اعتبار تاریخی نیست بلکه یک شجره نامه علمی و پیوند معنوی

1. Ibid., p. 10.

2. Ibid., Table of Contents, pp. 6-7.

3. Ibid, field notes, Sept. 2003.

4. Ibid, pp. 2-3; 7.

5. Ibid, p. 9.

با پیامبر (ص) است که از گذشته تا امروز ادامه یافته است.^۱ او سپس اصطلاحات کلیدی همچون حدیث، سنت، سند و متن را شرح می‌دهد و نمونه‌هایی از احادیث اهل سنت و شیعه را در موضوعات گوناگون نقل می‌کند تا تنوع و دامنه این سنت را نشان دهد.^۲ در ادامه به ماهیت اقتدار پیامبر (ص) در اسلام پرداخته و یادآور می‌شود که مسلمانان او را الگویی اخلاقی و منبع تبیین وحی می‌دانند، هرچند که تصمیمات عادی و امور غیر دینی او الزام شرعی ایجاد نمی‌کند.^۳ یکی از نکات کلیدی فصل نخست، توضیح تفاوت میان زبان قرآن و زبان حدیث است: احادیث اغلب سبکی خطابی، پُر از مبالغه و انگیزشی دارند که هدف آنها تأثیر اخلاقی و تربیتی است، نه صرفاً قانونگذاری خشک. فصل در پایان با مرزبندی میان «ادبیات حدیثی» و سایر سبک‌های اسلامی مثل تاریخ و سیره جمع‌بندی می‌کند و معیار اصلی تمایز این سبک را حضور اسناد کامل می‌داند که کلمات پیامبر (ص) را تا شخصیت خود او دنبال می‌کند.^۴

براون در آغاز فصل دوم با تأکید بر این که سنت حدیثی از همان روزهای نخستین پس از وفات پیامبر (ص) به مثابه پاسخی عملی به نیاز جامعه مسلمان پدید آمد، توضیح می‌دهد که این میراث هم به عنوان ابزار استخراج احکام و عقاید و هم به مثابه پیوندی معنوی با شخصیت پیامبر (ص) عمل کرده است.^۵ او با مرور دوره نخستین، نشان می‌دهد که پس از پیامبر (ص)، مرجعیت دینی از طریق دو مسیر اصلی منتقل شد: نخست، مکتب اهل رأی که نمونه بارز آن ابوحنیفه در کوفه است و بیشتر بر قرآن، سنت مشهور و اجتهاد استدلالی تکیه داشتند، و دوم، اهل حدیث که مانند احمد بن حنبل نقل اقوال نسل‌های نخست را بر هر گونه استدلال عقلی ترجیح می‌دادند.^۶

بخش بعدی به جمع‌آوری و ثبت اولیه احادیث اختصاص دارد و نشان می‌دهد که گرچه نگارش احادیث در ابتدا امری شخصی بود و در قالب صحیفه‌ها صورت می‌گرفت، با گذر زمان شبکه‌ای گسترده از نقل شفاهی و مکتوب شکل گرفت. نام‌هایی چون ابوهیریه (۵۸هـ/۶۷۸ م) با حدود ۵۳۰۰ حدیث، عبدالله بن عمر و ابن عباس از مهم‌ترین راویان این دوره‌اند و تفاوت تعداد روایات با میزان معاشرت مستقیمشان با پیامبر (ص) توضیح داده می‌شود.^۷ این روایات غالباً

1. Ibid, field notes, July 2007.

2. Ibid, pp. 12-14.

3. Ibid, pp. 24-26.

4. Ibid.

5. Ibid, p. 35.

6. Ibid, pp. 37-39.

7. Ibid, pp. 40-41.

به نسل تابعین رسید و صحیفه‌های آنان همچون صحیفه همام بن منبه (د. حدود ۱۳۰هـ/۷۴۷م) نمونه‌ای است که به‌طور کامل حفظ شده است.^۱

براون سپس به نقش غالب سنت شفاهی می‌پردازد و توضیح می‌دهد که هرچند برخی احادیث از ابتدا مکتوب بودند، اما فرهنگ شفاهی عرب و ضعف ابزار نوشتاری سبب شد که یادسپاری و نقل حضوری محوریت داشته باشد. حتی پس از آن‌که نوشتن گسترش یافت، دقت در شنیدن متن از استاد و اجازه نقل (سماع) شرط اصالت بود. از قرن نخست هجری، شخصیت‌هایی مانند محمد بن شهاب زهری (د. ۱۲۴هـ/۷۴۲م) و سفارش خلفای اموی سبب شدند که نگارش احادیث به شکلی منظم آغاز گردد.^۲

در فصل سوم نویسنده به تاریخ و روش‌شناسی نقد حدیث در سنت اهل سنت می‌پردازد و توضیح می‌دهد که علمای حدیث چگونه از همان قرون اولیه اسلام برای تفکیک گزارش‌های معتبر از گزارش‌های جعلی یا ضعیف، رویکردی تدریجی و منظم را توسعه دادند. این فصل با مقایسه‌ای میان کار روزنامه‌نگاران امروزی و محدثان صدر اسلام آغاز می‌شود. همان‌طور که خبرنگاران برای انتشار خبر نیازمند دو عنصر کلیدی اند - قابل اعتماد بودن منبع و تأیید اطلاعات از طریق منابع متعدد -^۳ عالمان حدیث نیز در مواجهه با سیلی از گزارش‌ها درباره پیامبر (ص) (یک قرن پس از وفات او) ناچار شدند معیارهایی مشابه را برای تشخیص اعتبار احادیث تدوین کنند. در این قیاس نشان داده می‌شود که محتوای گزارش و میزان معقول یا نامعقول بودن آن نیز در ارزیابی اعتبار خبر مؤثر است، اما این معیارها همواره نسبی و وابسته به فرهنگ و زمانه است.^۴

بخش بعدی به مسئله «جعل حدیث» می‌پردازد. از همان دوران حیات پیامبر (ص)، سوءاستفاده از نام او به منظور کسب مشروعیت آغاز شد و پس از رحلتش در اختلافات سیاسی و مذهبی شدت گرفت؛ از جمله در جنگ‌های داخلی مسلمانان میان علی (ع) (خلیفه چهارم) و معاویه که طرفین احادیثی جعلی به سود خود جعل کردند. این روند تا پایان قرن نخست هجری تحت نظارت مستقیم صحابه مهار می‌شد (نمونه‌هایی از واکنش‌های عمر و عایشه به نقل‌های

1. Ibid. p. 41.

2. Ibid, p. 42.

3. Corroboration.

4. Ibid, p. 60-62.

نادرست ذکر شده است)، اما با درگذشت آخرین صحابه (اوایل قرن دوم) جعل حدیث شتاب گرفت. انگیزه‌های جعل بسیار متنوع بود: سیاسی و فرقه‌ای (سنی و شیعی)، تأکید بر فضیلت شهرها، نزاع‌های فقهی و کلامی، قصه‌گویی‌های عامیانه، یا حتی با نیت خیر و ترغیب مردم به اعمال صالح. نویسندگان همچنین به پدیده‌های ادراج (داخل شدن اشتباه سخن یک راوی در متن حدیث) و انتساب ناخواسته سخنان بزرگان به پیامبر (ص) اشاره می‌کند. حتی ساختن یا دستکاری سلسله اسناد (ترکیب الاسانید) یکی از روش‌های رایج جعل بود.^۱

در برابر این بحران، جریان «اهل حدیث» طی قرن دوم و سوم هجری روشی سه‌مرحله‌ای برای نقد حدیث پدید آورد: اول درخواست و الزام به ذکر سند: از نیمه قرن اول هجری، به ویژه پس از فتنه‌های داخلی (۶۸۰-۶۹۲ م)، هر حدیثی بدون سند پذیرفته نمی‌شد. این الزام نخستین سد در برابر جعل بود. دوم نقد راویان (جرح و تعدیل): ارزیابی دقیق هویت راویان و سنجش دو معیار «عدالت» و «ضبط». این مرحله به جمع‌آوری همه روایات آن راوی، مقایسه با دیگران، و بررسی سازگاری نقل‌های او منجر شد. نسل‌های متوالی از نقادان - از مالک و شعبه تا ابن مهدی، یحیی قطان، احمد بن حنبل و سپس بخاری و مسلم - این شیوه را تکامل دادند. و سوم طلب شواهد تأییدی: سنجش روایات از طریق مقایسه با سایر اسناد و راویان، تا زمانی که نقل‌های همسان از منابع مختلف، اعتبار روایت را تقویت کند.^۲

نویسندگان توضیح می‌دهد که برخلاف تصور امروزی، نقد حدیث در ابتدا انعطاف‌پذیر و تجربی بود و بعدها (از قرن هفتم و هشتم میلادی به بعد) با تدوین مجموعه‌ای از اصطلاحات فنی (مثل ثقه، ضعیف، متروک) صورت رسمی و نظام‌مند یافت. همچنین در عمل، معیار اصلی نقد حدیث «دقت راوی در نقل» بود و مسائل فرقه‌ای یا حتی ضعف شخصی (مثلاً مستی یا بدرفتاری) تا زمانی که بر صداقت در نقل اثر نمی‌گذاشت، مانع پذیرش روایت نمی‌شد.

در پایان، نویسندگان تأکید می‌کند که این سه مرحله (سند، ارزیابی راویان، و تأیید روایات) هسته مرکزی علم حدیث اهل سنت را تشکیل داد و هدفش نه تنها پالایش احادیث از جعل و خطا، بلکه حفظ ارتباط زنجیره‌ای با میراث پیامبر (ص) بود - عنصری که به «فرهنگ اصالت» در تمدن اسلامی شکل بخشید.^۳

1. Ibid, p. 63.

2. Ibid, pp. 63-65.

3. Ibid, pp. 66-67.

۲-۲-۶. فصل چهارم: سنت حدیثی در تشیع

این فصل به بررسی یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های سنت حدیثی میان تشیع و تسنن می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه مبانی معرفتی و تاریخی شیعه موجب شکل‌گیری رویکردی متفاوت به حدیث شده است.^۱ براون بحث خود را با این نکته آغاز می‌کند که مرجعیت علمی و تبیینی پیامبر (ص) اسلام پس از رحلت او در دو مسیر متفاوت ادامه یافت. در سنت اهل سنت، این مرجعیت به اجماع امت و به‌ویژه به عالمان منتقل شد و تفسیر جمعی آنان از دین معیار معتبر شمرده شد. در مقابل، سنت شیعی این مرجعیت را در خاندان پیامبر (ص) و به‌ویژه در امامان معصوم (ع) (از علی بن ابی‌طالب تا دوازدهمین امام) می‌دانست و آنان را وارثان علمی و معنوی پیامبر (ص) می‌دید. بنابراین، در تشیع سخنان امامان (ع) همان اعتبار سخنان پیامبر (ص) را پیدا کرد و حدیث، هم شامل اقوال پیامبر (ص) و هم شامل اقوال امامان (ع) شد.

بر این اساس، روایت‌های شیعه اغلب در سه قالب ظاهر می‌شوند: ۱. حدیث پیامبر (ص) با سلسله‌سندی که امامان (ع) آن را منتقل کرده‌اند؛ ۲. سخن خود امام (ع) که از امام بعدی نقل شده است؛ ۳. سخن امام (ع) که از طریق شاگردان و یاران او روایت شده است.

در این منطق، کامل بودن سند تا پیامبر (ص) اهمیت درجه دوم دارد، زیرا امام معصوم، خود مرجعیت کامل و میراث علمی پیامبر (ص) را در اختیار دارد. این رویکرد در حدیث معروف امام صادق (ع) به روشنی آمده است: «حدیث من همان حدیث پدرم است، و حدیث پدرم حدیث جدم، و حدیث جدم حدیث حسین، و حدیث حسین حدیث حسن، و حدیث حسن حدیث امیرالمؤمنین، و حدیث امیرالمؤمنین حدیث رسول خداست و حدیث رسول خدا سخن خداوند متعال است».

براون سه رخداد بزرگ تاریخی را عامل شکل‌گیری سنت حدیثی امامیه معرفی می‌کند:

نخست، مناقشه بر سر جانشینی پیامبر (ص) که باعث شد اعتماد مطلق به همه صحابه (که در سنت سنی محور اعتبار است) در نگاه شیعه جایگاهی نداشته باشد. دوم، بحران پس از وفات امام یازدهم و پدید آمدن باور به «غیبت» فرزند او که در نهایت به غیبت کبری انجامید. سوم، لزوم ایجاد نهادهای علمی در دوره غیبت و نقش فقیهان به عنوان نایبان عام امام. این سه رخداد زمینه‌ساز شکل‌گیری متون و میراث حدیثی خاص شیعه شدند.^۲

1. Ibid, pp. 111-132.

2. Ibid, pp. 114-122.

در دوره حضور امامان (ع)، شاگردان آنان سخنانشان را در مجموعه‌هایی به نام «اصول» ثبت می‌کردند. این اصول بعدها پایه‌ای شد برای تدوین آثار جامع‌تر و موضوعی که در قرن چهارم هجری قمری در قالب چهار کتاب اصلی حدیثی امامیه به اوج رسید: الکافی تألیف کلینی، من لا یحضره الفقیه اثر ابن بابویه (صدوق)، و دو اثر شیخ طوسی یعنی تهذیب الأحکام و الاستبصار. این چهار کتاب، هسته اصلی «سنت حدیثی امامیه» را شکل دادند.

نویسنده سپس توضیح می‌دهد که با گذر زمان، از دل این سنت دو گرایش عمده پدید آمد: جریان اخباری که اعتبار کامل برای همین چهار کتاب قائل بود و به نقل‌های موجود در آن‌ها بسنده می‌کرد، و جریان اصولی که از قرن پنجم هجری با شخصیت‌هایی مانند شیخ مفید و شیخ طوسی نمایان شد و به بررسی انتقادی اسناد و به کارگیری عقل در کنار حدیث توجه بیشتری نشان داد. او به نقش آثار بزرگی مانند «بحار الانوار» مجلسی و «وسائل الشیعه» حر عاملی در گسترش و گردآوری میراث حدیثی امامیه نیز اشاره می‌کند.

در بخش «نقد حدیث در تشیع»، براون تأکید می‌کند که برخلاف اهل سنت، سنت نقد حدیثی در تشیع پس از غیبت کبری پدیدار شد. تا زمانی که امامان حضور داشتند، نیازی به بررسی صحت اسناد نبود، اما پس از غیبت، عالمان امامیه این وظیفه را برعهده گرفتند. علمای برجسته‌ای چون شیخ طوسی و نجاشی با نگارش کتاب‌های رجال و ارزیابی راویان، بنیان نقد اسناد را نهادند. آنان ضمن توجه به وثاقت و دیانت راویان، باور صحیح درباره امامت و پرهیز از گرایش‌های غالیانه را نیز شرط مهمی در اعتبار روایت می‌دانستند. علاوه بر نقد سند، محتوای روایت نیز به عنوان معیاری کلیدی مطرح شد و سازگاری با قرآن و عقل، یکی از اصول ارزش‌گذاری در سنت حدیثی شیعه قرار گرفت.

در ادامه، نویسنده به تعاملات دو سنت حدیثی (شیعه و سنی) نیز اشاره می‌کند. او نشان می‌دهد که در دو قرن نخست هجری، بسیاری از روایات فضائل اهل بیت، در هر دو سنت نقل می‌شد و بدنه بزرگی از این احادیث در منابع معتبر اهل سنت و شیعه مشترک است (از جمله حدیث غدیر و حدیث ثقلین). اما با گذر زمان، بدنه اختصاصی حدیثی شیعه، به ویژه احادیث امامان، شکلی مستقل به خود گرفت و محور هویت حدیثی امامیه شد.

در پایان، نویسنده نگاهی کوتاه به حدیث‌نگاری زیدیان دارد و بر جنبه‌های خاص این مکتب از جمله عدالت محوری و عقل‌گرایی بیشتر در تفسیر سنت نبوی تأکید می‌کند.^۱

1. Ibid, pp. 122-132.

۳-۲-۶. از فقه و تصوف تا سیاست و نقد معاصر: سیر حدیث پس از قرون نخستین

در بخش‌های بعدی کتاب، براون به روشنی نشان می‌دهد که چگونه حدیث در کانون شکل‌گیری تمدن اسلامی قرار گرفت و سه حوزه اصلی دین یعنی فقه، الهیات و تصوف را تحت تأثیر خود قرار داد. در زمینه فقه، او توضیح می‌دهد که چگونه استناد به احادیث پیامبر (ص) به تدریج مبنای اجتهاد و صدور فتوا شد و مجموعه‌های گسترده‌ای از احادیث، پشتوانه نظام حقوقی و اخلاقی مسلمانان قرار گرفت.^۱ در قلمرو الهیات، حدیث‌ها نه تنها به عنوان شواهد نقلی برای باورهای کلامی بلکه به عنوان منبع تفسیر آموزه‌های قرآنی و اثبات گزاره‌های ایمانی عمل کرده‌اند.^۲

در سنت تصوف نیز براون نشان می‌دهد که چگونه احادیث - چه از منظر محتوا و چه از نظر زنجیره معنوی انتقال - به صورت یک «زبان مشترک» برای مشروعیت بخشی به سلوک عرفانی درآمده است.^۳ این فصول بر این نکته تأکید دارند که گفتمان‌های فقهی، کلامی و عرفانی در اسلام، هر یک برداشت ویژه‌ای از حجیت حدیث ارائه داده‌اند و به همین دلیل فهم جایگاه حدیث بدون توجه به زمینه‌های فکری آنها ناقص خواهد بود.

فصل هشتم که از نوآوری‌های چاپ دوم کتاب است، به بعدی کمتر بررسی شده از تاریخ حدیث می‌پردازد: کارکرد سیاسی حدیث. براون توضیح می‌دهد که احادیث در طول تاریخ تنها در خدمت مشروعیت بخشی به قدرت‌های حاکم نبوده‌اند؛ بلکه از سوی مخالفان نیز به عنوان ابزاری برای نقد، مقاومت و حتی مبارزه با قدرت سیاسی به کار رفته‌اند. این بخش نشان می‌دهد که چگونه روایت‌های حدیثی می‌توانستند در جهت تثبیت نظم موجود یا ایجاد گفتمان اعتراضی شکل بگیرند و در هر دو حالت، نقش مهمی در فرهنگ سیاسی مسلمانان ایفا می‌کرده‌اند.^۴

در فصل نهم، براون فضای مطالعات غربی درباره حدیث را ترسیم می‌کند؛ فضایی که از اواخر قرن نوزدهم با گلدزیهر آغاز شد و با یوزف شاخسخت ادامه یافت. این جریان انتقادی، احادیث را نه انعکاسی مستقیم از سخنان پیامبر (ص)، بلکه بازتابی از تحولات اجتماعی، فکری و منازعات سه قرن نخستین اسلام تلقی می‌کرد. در ادامه، او به آثار تجدیدنظرطلبان مانند کرون و کوک و نیز رویکردهای نوین‌تر همچون موتسکی می‌پردازد که با روش‌های دقیق‌تر سندپژوهی و تحلیل تاریخی، نگاه تازه‌ای به داده‌های حدیثی ارائه کردند. با این حال، براون تصریح می‌کند که

1. Ibid, pp. 132-148.

2. Ibid, pp. 149-156.

3. Ibid, pp. 157-166.

4. Ibid, pp. 167-176.

علی‌رغم این پیشرفت‌ها، فاصله روش‌شناختی و تفاوت پیش‌فرض‌های محققان غربی با سنت مسلمانان همچنان پابرجاست و دو سنت علمی در نقطه‌های بنیادین نگاه متفاوتی به ماهیت و کارکرد حدیث دارند.^۱

آخرین فصل کتاب با تمرکز بر دوران معاصر، چهار‌گرایش اصلی در مواجهه با حدیث را معرفی می‌کند: ۱- قرآن‌گرایان که اتکای کامل بر قرآن را راه‌حل می‌دانند و اعتبار احادیث را کنار می‌گذارند. ۲- اصلاح‌طلبان که بر خوانش‌گزینشی و انتقادی از احادیث برای پاسخ‌گویی به نیازهای زمانه تأکید دارند. ۳- سلفیان سنتی که بازگشت به منابع اولیه و بازبینی سخت‌گیرانه احادیث را راه احیای دین می‌شمارند. ۴- سنت‌گرایان متأخر که ساختار کلاسیک علوم حدیث و فقه را کافی و کارآمد می‌دانند و در برابر رویکردهای نوگرا مقاومت نشان می‌دهند.

براون نتیجه می‌گیرد که کشمکش‌های امروزی در باب اعتبار و کارکرد حدیث، بازتابی از همان مجادلات و منازعات دیرپای سده‌های نخستین تاریخ اسلام است و فهم آن‌ها بدون شناخت ریشه‌های تاریخی و کلامی ممکن نیست.^۲

این بخش پایانی کتاب نشان می‌دهد که احادیث، نه فقط میراثی تاریخی، بلکه همچنان عناصری زنده در فرهنگ، سیاست و اندیشه اسلامی هستند و مجادلات علمی و اجتماعی معاصر پیرامون آن‌ها ادامه همان سنتی است که از آغاز در درون جهان اسلام شکل گرفت.

۳-۶. نوآوری‌ها و دستاوردها

این کتاب را می‌توان یک اثر مرجع آموزشی و تحلیلی در حوزه علوم حدیث دانست. دویژگی برجسته آن عبارت‌اند از:

۱. رویکرد دوگانه و بین‌رشته‌ای: براون توانسته است روایت درونی و دفاعی عالمان مسلمان را با نگاه بیرونی و انتقادی دانشگاهی پیوند دهد و از این طریق پلی میان دو سنت فکری ایجاد کند.
۲. شمولیت تاریخی و تحلیلی: کتاب همه ابعاد سنت حدیث را - از مبانی و تاریخ تا کارکردهای فقهی، الهیاتی، تصوفی و سیاسی - در کنار نقدهای معاصر و غربی بررسی کرده است.

1. Ibid, pp. 177-216.

2. Ibid, pp. 217-259.

این ویژگی‌ها باعث شده که کتاب، همان‌گونه که احمد الشمسسی تأکید می‌کند، «اولین مقدمه‌ای باشد که با چنین گستردگی و دقتی، دانش حدیث را در جهان اسلام معرفی می‌کند»^۱.

۴-۶. نقدها و دیدگاه‌های پژوهشگران

با وجود استقبال گسترده از این کتاب به‌عنوان اثری مقدماتی و تحلیلی در حوزه حدیث پژوهی، برخی نقدهای علمی نیز متوجه آن شده است که ناظر به دامنه پوشش، شیوه تحلیل و مرز میان توصیف و داوری است.

۱. گستره فراگیر اما با ایجاز در برخی بخش‌ها ساختار کلی کتاب بر مبنای روایت تاریخی و طرح مسئله استوار است، نه صرفاً توصیف سنتی مفاهیم علم حدیث. این ویژگی، آن را از بسیاری از آثار کلاسیک متمایز می‌سازد و سبب می‌شود که برای مخاطبان غربی یا ناآشنا با سنت اسلامی، خواندنی و آموزنده باشد. با این حال، برخی فصل‌ها به‌ویژه مباحث مرتبط با فقه، کلام و تصوف، با وجود اهمیت زیاد، به اختصار برگزار شده‌اند و برخی از مناقشات تاریخی یا مباحث تفصیلی در آن مغفول مانده است.^۲

۲. رویکرد محدود به حدیث شیعی گرچه در فصل چهارم کتاب، تفاوت‌های اصلی میان رویکرد اهل سنت و شیعه امامی و زیدی به حدیث مطرح شده، اما این بررسی، ابعاد کامل گفتمان حدیثی شیعی را منعکس نمی‌کند. به‌ویژه عدم پرداخت به میراث حدیثی اسماعیلیان یا نقدهای درون‌مذهبی نسبت به حجیت حدیث در سنت‌های مختلف شیعی، از خلأهای این اثر شمرده شده است.^۳

۳. خوش‌بینی به کارآمدی روش‌های نقادی درون‌دینی از دیگر محورهای نقد، نوع مواجهه کتاب با معیارهای سنجش حدیث در سنت اهل سنت است. مؤلف گاه نشان می‌دهد که علمای حدیث در گذشته، حساسیت فراوانی به سند و متن داشته‌اند و با صراحت به نقد روایات جعلی پرداخته‌اند. اما در عین حال، این پرسش که چه میزان از احادیث مشکوک، از دید این نقادان پنهان مانده‌اند یا چه نقش عوامل غیرعلمی در تثبیت احادیث داشته، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.^۴

1. Ahmed El Shamsy, «Review of Hadith: Muhammad's Legacy in the Medieval and Modern World (Jonathan A. C. Brown)», *International Journal of Middle East Studies Vol. 44, No. 1 (2012): pp. 157-160.

2. Ibid.

3. Modern World (Foundations of Islam).” *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 73, no. 3 (2010): 534-536.

4. Ibid.

۴. مرز مبهم میان روایت تاریخی و بازسازی تحلیلی در برخی مواضع، نقل اقوال از شخصیت‌های تاریخی یا توصیف روندهای فکری در سنت اسلامی، به گونه‌ای مطرح شده که گویی داده‌ای قطعی و عینی است؛ در حالی که بسیاری از این داده‌ها، خود محصول روایات ثانویه یا بازسازی‌های متأخرند. مثال‌هایی چون اعتراض علی (ع) یا عایشه به برخی احادیث، بدون بررسی انتقادی منشأ این اقوال، می‌تواند بازتولید روایت‌های شکل گرفته در دوره‌های متأخر باشد.^۱

۵. چالش در طبقه‌بندی دیدگاه‌های غربی به حدیث یکی دیگر از نقاط مورد مناقشه، تقسیم‌بندی نویسنده از رویکردهای غربی به سنت حدیث است که در قالب چهارگانه «شرق‌شناسانه، دفاعی، بازنگرانه و بازارزیاپانه» مطرح شده است. گرچه این طبقه‌بندی برای خواننده نوآموز سودمند است، اما در عمل، تنوع دیدگاه‌ها در سنت شرق‌شناسی یا تحلیل‌های شکاکانه نسبت به سنت حدیثی را به خوبی بازتاب نمی‌دهد و گاه نوعی تقلیل‌گرایی را در ارزیابی‌ها القا می‌کند.^۲

۷. کتاب برده‌داری و اسلام

کتاب برده‌داری و اسلام که در سال ۲۰۱۹ منتشر شد، یکی از آثار مهم براون در تبیین پیچیدگی رابطه سنت اسلامی با مسئله برده‌داری است. این کتاب نه صرفاً اثری تاریخی یا فقهی، بلکه تلاشی ترکیبی در تبیین، دفاع، نقد و بازاندیشی در موضوعی است که در گفتمان معاصر، محل جدال‌های فکری و اخلاقی فراوان است.

۱-۷. ایده و زمینه شکل‌گیری کتاب

کتاب در پی بحران‌های فکری و رسانه‌ای دهه ۲۰۱۰ میلادی درباره نسبت اسلام و اخلاق مدرن پدید آمد. براون در مقدمه می‌نویسد که نگارش این اثر پاسخی است به پرسش‌هایی مکرر از او در محافل علمی و عمومی غربی درباره «چگونه ممکن است دینی جهانی و اخلاقی، نظام برده‌داری را مشروع بشمارد؟»^۳. او اذعان می‌کند که کتاب نه از سر دغدغه دفاع ایدئولوژیک، بلکه از احساس نیاز به گفت‌وگویی اخلاقی و تاریخی میان جهان اسلام و گفتمان حقوق بشر مدرن شکل گرفته است. براون تصریح می‌کند که برخورد بسیاری از منتقدان غربی با مسئله

1. Ibid.

2. Ahmed El Shamsy, «Review of Hadith: Muhammad's Legacy in the Medieval and Modern World (Jonathan A. C. Brown)», p. 159.

3. Jonathan A. C. Brown, *Slavery and Islam* (Oxford: Oneworld Academic, 2019), pp. 1–3.

برده‌داری در اسلام، برخلاف ظاهر اخلاقی آن، ریشه در ناآگاهی تاریخی و نوعی خودمحوری فرهنگی دارد که میراث تمدن‌های دیگر را تنها در پرتو ارزش‌های امروزی غرب می‌سنجد.^۱

او در همان آغاز، موضع خود را روشن می‌کند: نه می‌خواهد برده‌داری را در اسلام «تطهیر» کند و نه آن را «محکوم مطلق» بداند. هدف او به تعبیر خودش «فهمیدن پیش از داوری کردن» است. از این رو، کتاب از دل یک دوگانگی شکل می‌گیرد: از یک سو، تعهد او به روش دانشگاهی و تحلیل تاریخی دقیق؛ و از سوی دیگر، احترام به سنت فقهی مسلمانان به مثابه نظامی عقلانی و اخلاقی در بستر زمان خود.^۲ همین توازن میان «درون‌فهمی» و «نقد بیرونی» به کتاب لحنی میان‌رشته‌ای بخشیده است که در مرز الهیات، فقه، تاریخ اجتماعی و فلسفه اخلاق حرکت می‌کند.

براون در فصل نخست با عنوان توضیح می‌دهد که محرک اصلی نگارش کتاب، سوء برداشت‌های گسترده‌ای بود که در رسانه‌ها و حتی در میان نخبگان دانشگاهی نسبت به اسلام و برده‌داری وجود داشت. در گفت‌وگو با دانشجویان مسلمان، او متوجه شد که بسیاری از آنان یا از روی احساس شرمندگی، از مواجهه با برده‌داری در منابع فقهی طفره می‌روند، یا در سوی مقابل، با مواضع تدافعی، به توجیه گذشته می‌پردازند.^۳ به همین سبب، او تصمیم گرفت به جای ارائه پاسخ‌های آماده، مخاطب را با پیچیدگی‌های تاریخی، فقهی و اخلاقی مسئله روبه‌رو سازد و نشان دهد که برده‌داری در تمدن اسلامی، نه یک پدیده یکدست، بلکه نظامی چندوجهی بوده است که در آن، مفاهیمی چون عدالت، رحمت، مالکیت و انسانیت درگیر تفسیری دائمی بوده‌اند.^۴

در بخش مقدمه کتاب، براون از تجربه خود در تدریس مطالعات اسلامی در دانشگاه جورج تاون یاد می‌کند و می‌نویسد که بارها مجبور شده است در کلاس‌ها به پرسش‌های دانشجویان درباره احکام کنیزی، خرید و فروش برده، یا نقش پیامبر در مواجهه با بردگان پاسخ دهد. او دریافت که هیچ پاسخ ساده‌ای وجود ندارد و همین، دلیل نگارش کتاب شد: تلاشی برای بازگرداندن فهم تاریخی و زمینه‌ای به گفت‌وگوی امروز درباره اسلام و اخلاق.^۵

از دید براون، مسئله برده‌داری تنها یک مسئله فقهی نیست، بلکه «آیین‌های تعامل اسلام با مسئله آزادی، اختیار و کرامت انسانی» است. او با تکیه بر مطالعات تطبیقی در تاریخ حقوق،

1. Ibid, pp. 4-6.

2. Ibid, p. 9.

3. Ibid, pp. 11-13.

4. Ibid, pp. 15-17.

5. Ibid, p. 18.

تأکید می‌کند که هر تمدن، مفاهیم برده و آزادی را در چارچوب نظام ارزشی خود تعریف کرده است. در نتیجه، فهم سنت اسلامی در این زمینه نیازمند درک «منطق درونی عدالت در شریعت» است، نه مقایسه شتاب‌زده با ارزش‌های مدرن^۱.

براون در پایان فصل نخست، هدف نهایی خود را چنین خلاصه می‌کند: «اگر اسلام بخواهد با جهان امروز گفت‌وگو کند، باید گذشته خود را صادقانه بفهمد، نه آن را پاک کند و نه از آن بگریزد»^۲. از این منظر، برده داری و اسلام نه تنها اثری درباره برده داری، بلکه تلاشی برای بازاندیشی در نسبت سنت، اخلاق و مدرنیته است - تلاشی که با صراحت و شجاعت علمی براون، از یک بحث تاریخی به گفت‌وگویی اخلاقی فراترمدنی تبدیل می‌شود.

۲-۷. ساختار و محتوای اثر

نویسنده در فصل دوم، با عنوان «چه چیزی برده داری به شمار می‌آید؟»، بحث را از همین جا آغاز می‌کند: آیا برده داری مفهومی جهانی و همسان در همه اعصار است؟ آیا می‌توان از منظر حقوق بشر معاصر، همه اشکال مالکیت و سلطه گذشته را به عنوان برده داری محکوم کرد؟ او با استناد به آثار آنتی اسلاوری اینترنشنال و سازمان ملل، نشان می‌دهد که حتی در قرن بیست و یکم، تعاریف برده داری با ابهام، بسط یا سوءاستفاده همراه است. به ویژه در مواجهه با تمدن‌های غیرغربی، نوعی دوگانگی در قضاوت‌ها وجود دارد^۳.

در فصل سوم، با عنوان «برده داری اسلامی؟»، براون تأکید می‌کند که باید میان «اسلام» به عنوان یک دین، و «رفتار مسلمانان» در طول تاریخ تفکیک قائل شد. او می‌پرسد آیا می‌توان از برده داری اسلامی سخن گفت یا فقط باید از برده داری در جوامع مسلمان یاد کرد؟^۴. سپس با تحلیل منابع فقهی اهل سنت و اشاره‌هایی به دیدگاه شیعی، نشان می‌دهد که اگرچه فقه اسلامی، برده داری را به رسمیت می‌شناخته، اما این رسمیت با نظامی اخلاقی، حقوقی و حتی اصلاح‌گرانه همراه بوده است^۵.

در فصل چهارم، نویسنده تصویری متکثر از زندگی بردگان در جهان اسلام ترسیم می‌کند: از بردگان ارتشی و نظامی گرفته تا بردگان خانگی، تجار، دانشمندان، شاعران، و حتی کارگزاران سیاسی.

1. Ibid, pp. 21-25.

2. Ibid, p. 27.

3. Ibid, pp. 35-49.

4. Ibid, pp. 61-68.

5. Ibid, pp. 68-69.

براون نشان می‌دهد که برخلاف تصور رایج، برده در اسلام الزاماً موجودی بی‌هویت و محصور در خشونت نبوده است؛ بلکه در بسیاری از موارد، فرصت ارتقا و مشارکت اجتماعی داشته است با این حال، نباید از نابرابری‌های نهادی و تبعیض‌های شرعی در برخی احکام غافل شد.^۱

در فصل پنجم، نویسنده وارد یکی از بحث‌برانگیزترین ساحت‌های کتاب می‌شود. او می‌پذیرد که خواننده امروزی، حتی اگر مسلمان باشد، ممکن است نتواند با مشروعیت اخلاقی برده‌داری کنار بیاید. براون در این بخش نمی‌کوشد فقه سنتی را توجیه کند، بلکه نشان می‌دهد فقیهان، از جمله برخی متأخران، برده‌داری را در چارچوب اخلاق اسلامی به مثابه امری اصلاح‌پذیر، تربیتی یا حتی ارفاقی قلمداد کرده‌اند. اما همین تفسیرها نیز از منظر اخلاق جهانی امروز، محل سؤال‌اند.^۲

فصل ششم به بررسی واکنش جوامع مسلمان به روند الغای برده‌داری می‌پردازد. نویسنده با مرور فتاوی علمای بزرگ مصر، حجاز، هند، و عثمانی، و همچنین تحلیل مواضع رسمی الازهر و دانشگاه اسلامی مدینه، نشان می‌دهد که فقه سنتی با تأخیر و تعلل، اما در نهایت با پذیرش تدریجی منطق الغا همراه شده است.^۳ نقش استعمار، فشارهای بین‌المللی و اصلاح‌طلبی درونی مسلمانان از نکات کلیدی این بخش است.

در فصل پایانی، براون با صراحت بیشتر به پرسش محوری کتاب نزدیک می‌شود: آیا می‌توان آموزه‌های اسلامی درباره برده‌داری را با گفتمان معاصر حقوق بشر سازگار ساخت؟ او به دو راهبرد اشاره می‌کند: یکی، خوانش تاریخی و زمینه‌مند از نصوص دینی که به «زمان‌مندی» آن‌ها اذعان دارد؛ و دوم، بازتفسیر اخلاق اسلامی در پرتو مقاصد شریعت و کرامت انسانی.^۴

کتاب برده‌داری و اسلام اثری است که ضمن وفاداری به سنت پژوهش انتقادی غربی، از درک درونی سنت اسلامی نیز برخوردار است. براون در این کتاب، نه در مقام قضاوت نهایی، بلکه در مقام پرسش‌گری منصف، تاریخ، فقه و اخلاق اسلامی را در مواجهه با مسئله‌ای پرچالش بررسی کرده است. این اثر می‌تواند الگویی از گفت‌وگوی علمی میان جهان اسلام و ارزش‌های جهانی معاصر باشد.

1. Ibid, pp. 106-113.

2. Ibid, pp. 133-138.

3. Ibid, pp. 145-148.

4. Ibid, pp. 164-176.

۳-۷. نقدها و دیدگاه‌های پژوهشگران

کتاب برده‌داری و اسلام اثر جاناناتان براون با وجود دقت تاریخی و گستردگی تحلیل‌های فقهی و اخلاقی خود، از سوی شماری از پژوهشگران معاصر مورد نقد قرار گرفته است. منتقدان معتقدند که رویکرد براون در تبیین برده‌داری در جهان اسلام، در عین تلاش برای پرهیز از داوری‌های ارزشی و دفاع‌گرایی، گاه میان بازسازی تاریخی و داوری اخلاقی گرفتار نوعی دوگانگی می‌شود. نویسندگان در مقدمه کتاب خود تصریح می‌کنند که قصد دفاع از شریعت در برابر نقدهای معاصر را ندارند، اما تلاش او برای حفظ توازن میان رویکرد علمی و ارزش‌های اخلاقی مدرن در برخی مواضع به شکل ناهماهنگ جلوه می‌کند و این امر موجب شده که خواننده گاهی میان تبیین تاریخی و توجیه دینی دچار سردرگمی شود.^۱

از دیگر نقدهای جدی، بازتعریف مفهومی «برده‌داری» در کتاب است. براون در فصل نخست می‌کوشد برده‌داری را از قالب مدرن و غربی آن جدا کند و آن را با مفهوم رق در سنت اسلامی مقایسه نماید. با وجود ارزش نوآورانه این رویکرد، برخی منتقدان بر این باورند که چنین تمایزی ممکن است از شدت بُعد اخلاقی مسئله بکاهد و تجربه زیسته‌ی بردگان - به‌ویژه زنان و بردگان سیاه‌پوست - را به حاشیه براند همچنین در تحلیل پیوند نژاد و برده‌سازی در جوامع اسلامی، کتاب بیشتر بر جنبه تاریخی تأکید دارد تا بر بحران اخلاقی ناشی از تبعیض نژادی درون تمدنی.^۲

نقد دیگر به سطح ترجمه و زبان اثر بازمی‌گردد. در ترجمه برخی مفاهیم قرآنی، به‌ویژه تعبیر «ما ملکتم ایمانکم» که نویسندگان آن را به صورت «those whom you possess rightfully» ترجمه کرده است، احتمال انحراف معنایی و تغییر بار اخلاقی متن اصلی وجود دارد.^۳ همچنین اظهار نظر بحث‌برانگیز براون مبنی بر این که «همبستری با کنیزان همواره تجربه‌ی بدی برای آنان نبوده است»^۴ از جمله مواردی است که موجب واکنش منفی منتقدان شده و آن را نزدیک به بازتولید روایت‌های کلاسیک توجیه‌گرایانه دانسته‌اند.^۵

در سطح تاریخی نیز برخی خطاها در روایت کتاب مشاهده شده است. برای نمونه، نویسندگان مدعی است که بریتانیا تجارت برده در اقیانوس هند را پس از ۱۸۳۰ میلادی متوقف ساخت و برده‌داری در

1. Bernard K. Freamon, 2020, "Review of Jonathan A. C. Brown, Slavery and Islam," Seton Hall University Law Review, 50 (3): 1-8) p.1.

2. Ibid. p. 2.

3. Ibid. p. 4.

4. Brown, 2019: 132-133.

5. Freamon, 2020: 4.

هند در ۱۸۴۳ پایان یافت، در حالی که تحقیقات جدید نشان می‌دهد این نظام در جهان اسلام، به‌ویژه در شرق آفریقا و نواحی اقیانوس هند، تا دهه‌های آغازین قرن بیستم استمرار داشته است.^۱

در مجموع، این نقدها بدون کاستن از ارزش پژوهشی و اهمیت اخلاقی کتاب، بر یک نکته بنیادین تأکید دارند: تحلیل پدیده برده‌داری در اسلام زمانی می‌تواند کامل باشد که علاوه بر داده‌های تاریخی و فقهی، از منظر قربانیان تاریخی نیز مورد بازخوانی قرار گیرد و حساسیت اخلاقی معاصر در ارزیابی سنت‌های دینی لحاظ شود. مقاله تحلیلی منتشرشده در سال ۲۰۲۰ درباره این کتاب، با بررسی دقیق جنبه‌های یادشده، بر ضرورت بازاندیشی در رویکرد درون دینی به مسئله برده‌داری و اخلاق اسلامی تأکید می‌کند.

۸. کتاب محمد: درآمدی بسیار کوتاه

کتاب محمد: درآمدی بسیار کوتاه، اثر جاناتان براون، با وجود حجم اندک خود (کمتر از ۱۵۰ صفحه)، از نظر محتوایی در زمره‌ی جامع‌ترین و دقیق‌ترین آثار مقدماتی درباره‌ی پیامبر (ص) اسلام در زبان انگلیسی قرار دارد. براون از همان آغاز کتاب، با طرح پرسشی محوری وارد بحث می‌شود: «چگونه می‌توان چهره‌ای جامع، منصفانه، و درک‌پذیر از محمد (ص) به دست داد، در حالی که روایت‌های مسلمانان و غیرمسلمانان به شدت متفاوت و حتی متعارض‌اند؟»^۲

او پیامبر (ص) را نه صرفاً یک شخصیت تاریخی، بلکه یک پدیدار ایمانی می‌داند که در لایه‌های مختلف تاریخ، سنت، فرهنگ و سیاست بازنمایی شده است. این پدیده هم درون امت اسلامی، و هم در نگاه بیرونی به اسلام، چالش برانگیز و گاه محل کشمکش بوده است.

از دید براون، هرگونه تحلیل درباره‌ی محمد (ص)، اگر بخواهد منصفانه و علمی باشد، ناگزیر باید میان دو ساحت تاریخی و اعتقادی تفکیک قائل شود، بی‌آنکه یکی را به نفع دیگری حذف کند. به بیان دیگر، کتاب می‌کوشد پیامبر (ص) را از منظر مسلمانان تحلیل کند، اما با زبان علمی و قابل فهم برای خواننده‌ی غیرمسلمان.

۱-۸. ایده و زمینه شکل‌گیری کتاب

در این کتاب، نویسنده با تأکید بر موقعیت محوری پیامبر اسلام (ص) در زندگی بیش از یک میلیارد مسلمان و نقش تاریخی او در تمدن اسلامی، کوشش دارد تصویری منصفانه، علمی و

۱. Ibid. p. ۵

۲. Jonathan A. C. Brown, *Muhammad: A Very Short Introduction* (Oxford: Oxford University Press, 2011), p. 1.

قابل فهم از «محمد» ارائه دهد. هدف اصلی او نه بازگویی صرف زندگی پیامبر، بلکه تحلیل نحوه بازنمایی او در تاریخ، سنت و فرهنگ مسلمانان و همچنین در نگاه غرب است.

براون می‌گوید که با وجود دشواری‌های شناختی و منابع پیچیده، پیامبر اسلام همچنان «مرجع اخلاق، سیاست و هویت» برای مسلمانان امروز است. از این رو، این کتاب کوتاه (در قالب سری «Very Short Introductions») درصدد است مخاطب غیرمتخصص را با لایه‌های مختلف شخصیت، سنت و میراث محمد (ص) آشنا کند و نشان دهد که چگونه فهم او از قرن‌ها پیش تا به امروز تغییر کرده و همچنان محل بحث و مجادله است.

کتاب در سه فصل اصلی ساختاری تنظیم شده است: ابتدا زندگی پیامبر، سپس نحوه شکل‌گیری تصویر او در تمدن اسلامی، و در نهایت بازتاب معاصر آن در جهان غرب و شرایط جهانی شده. بر این اساس، زمینه شکل‌گیری این اثر نه صرفاً پژوهش آکادمیک، بلکه دغدغه فرهنگی و بین‌الادیانی است؛ این که چگونه می‌توان شخصیتی تاریخی را در زبان امروز فهمید و همزمان نسبت او با ایمان و سنت را حفظ کرد.

۲-۸. ساختار و محتوای اثر

براون در فصل نخست، با تکیه بر یافته‌های جدید شرق‌شناسی، بستر تاریخی و اجتماعی ظهور اسلام را تحلیل می‌کند. او بر این نکته تأکید دارد که پیامبر (ص) اسلام در فضایی برخاسته است که هم دچار گسست‌های سیاسی (فقدان دولت مرکزی) و هم دگرگونی‌های دینی بود. عربستان در قرن ششم میلادی، به تعبیر او «جغرافیای خرده‌فرهنگ‌ها و مرزهای امپراتوری‌ها» بود.^۱

براون به‌ویژه بر نقش مکه به عنوان یک قطب تجاری و دینی تأکید می‌ورزد و نشان می‌دهد که چرا چنین مکانی می‌توانست بستری مناسب برای ظهور یک پیام جدید باشد. او همچنین به این نکته توجه می‌دهد که پیامبر (ص) در آغاز دعوت خود، با نوعی پارادوکس روبرو بود: از یک سو خواهان اصلاح اخلاقی و معنوی جامعه بود، و از سوی دیگر نظم اجتماعی موجود را با چالش مواجه می‌ساخت.^۲

در این تحلیل، شباهت‌هایی میان ظهور پیامبر (ص) و جنبش‌های اخلاق‌گرای پیامبران پیشین (همچون عیسی یا موسی) ترسیم می‌شود، اما براون در عین حال تفاوت اصلی را در «ویژگی

1. Ibid, p. 6.

2. Ibid., pp. 10-13.

اجتماعی شدن اسلام» می‌بیند؛ یعنی اسلامی که از همان ابتدا دارای نهاد، قاعده، و ساختار سیاسی است.^۱

در فصل دوم، براون وارد بخش کلیدی کتاب می‌شود: تحلیل جایگاه پیامبر(ص) در سنت اسلامی. او با استناد به آیات قرآن، از جمله آیهی «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»، پیامبر(ص) را به عنوان «الگوی جامع حیات» معرفی می‌کند.^۲

او روند تاریخی شکل‌گیری سنت پیامبر(ص) را شرح می‌دهد؛ سنتی که به صورت تدریجی از قالب رفتارهای عینی پیامبر(ص) به احادیث، سپس به فقه و سرانجام به یک نظام ارزشی کامل تبدیل شد. براون تأکید می‌کند که این روند، نه فقط یک بازتاب حافظه جمعی مسلمانان، بلکه بازنمودی از ساختارهای قدرت، مشروعیت دینی، و تداوم وحی است.^۳

او به ویژه اهمیت کتاب‌های حدیث، سیره، و تفاسیر روایی را در تثبیت سیمای پیامبر(ص) بررسی می‌کند. براون نشان می‌دهد که چگونه هر مکتب اسلامی، چهره‌ای خاص از محمد(ص) را پرورش داده است؛ سنیان بیشتر به عنوان نبی-قاضی، و شیعیان به عنوان نبی-امام.^۴ تحلیل او از جایگاه اهل بیت و نقش آن‌ها در ادامه‌ی سنت نبوی نیز بخشی دقیق و متوازن است.

در عین حال، براون نقش پیامبر(ص) را در قالب «رهبر جنگی» نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. او بدون توجیه رفتارهای جنگی پیامبر(ص)، کوشیده است زمینه‌های تاریخی آن را تحلیل کند و آن را در چارچوب دفاع مشروع، تأسیس دولت، و مقابله با دشمنانی که قصد براندازی داشتند، قرار دهد.^۵

براون در فصل پایانی کتاب، به یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین مباحث معاصر می‌پردازد: بازنمایی پیامبر(ص) در جهان امروز، خصوصاً در جوامع غربی. او با ذکر نمونه‌هایی همچون کاریکاتورهای دانمارکی، قضیه سلمان رشدی، و تنش‌های مربوط به نقد اسلام در مطبوعات اروپایی، نشان می‌دهد که چرا پیامبر(ص) اسلام به یکی از موضوعات سیاسی و فرهنگی حساس جهان مدرن تبدیل شده است.^۶ تحلیل براون در این فصل، به طور خاص بر این نکته استوار است که فهم نادرست غرب از نقش پیامبر(ص) در سنت اسلامی، زمینه‌ساز بسیاری از

1. Ibid., pp. 14–17.

2. Ibid., p. 29.

3. Ibid., pp. 32–36.

4. Ibid., pp. 41–45.

5. Ibid., pp. 46–52.

6. Ibid., pp. 56–59.

بحران‌های ارتباطی شده است. برای غربی‌ها، پیامبر(ص) یک شخصیت تاریخی مانند هر رهبر مذهبی دیگر است؛ در حالی که برای مسلمانان، او همچنان «مرجع اخلاق، سیاست، و هویت» است.^۱

براون همچنین به حضور پررنگ پیامبر(ص) در جنبش‌های معاصر اشاره می‌کند؛ از اصلاح‌طلبی اسلامی گرفته تا بنیادگرایی، و از فقه مدرن تا هنر اسلامی. به باور او، چهره‌ی پیامبر(ص) اکنون بیش از هر زمان دیگر محل بازتعریف‌های گوناگون شده است: گاه نماد صلح و گفت‌وگو، و گاه نماد مقاومت و عدالت‌خواهی.^۲

۳-۸. دستاوردها و چالش‌های کتاب

کتاب براون، با تمام ایجاز خود، اثری عمیق، متوازن، و دقیق است. نویسنده با پرهیز از دوگانه‌ی تمجید و تخریب، کوشیده است چهره‌ای از پیامبر(ص) اسلام ترسیم کند که هم برای خواننده غربی قابل درک باشد و هم برای مسلمانان، تحریف‌آمیز نباشد.

از جمله نقاط قوت کتاب، توجه به پیچیدگی‌های سنت اسلامی، اجتناب از زبان ایدئولوژیک، و توانایی در انتقال تجربه‌ی ایمانی مسلمانان است. در مقابل، شاید حجم اندک کتاب باعث شده باشد که برخی موضوعات مهم، نظیر جایگاه زن در سیره پیامبر(ص) یا نسبت میان عقل و وحی در سنت محمدی، کمتر مورد توجه قرار گیرد.

با این حال، کتاب حاضر می‌تواند مقدمه‌ای قدرتمند برای گفت‌وگوهای بین‌الادیانی، نقدهای درون‌دینی، و فهم اجتماعی از پیامبر(ص) اسلام در قرن بیست‌ویکم باشد.

۴-۸. تحلیل و نقد

از برجسته‌ترین نقاط قوت کتاب، زبان روشن و ساختار منسجم آن است که برای مخاطب غیرمتخصص نیز قابل فهم است، در عین آنکه از دقت علمی کاسته نمی‌شود. براون با بهره‌گیری از منابع کلاسیک مانند ابن‌هشام و طبری، و در عین حال با استناد به پژوهش‌های جدید غربی، تصویری جامع و تحلیلی از پیامبر(ص) ارائه می‌دهد. او از داوری‌های قطعی پرهیز می‌کند و می‌کوشد تضاد میان نگاه تاریخی و نگاه ایمانی را با نوعی توازن روایی حل کند.

1. Ibid., p. 61.

2. Ibid., pp. 65–68.

از دیگر قوت‌های اثر، تأکید بر تنوع قرائت‌های مسلمانان از پیامبر (ص) است: از چهره فقیه و قانون‌گذار تا الگوی عرفانی و اخلاقی. او نشان می‌دهد که در طول تاریخ، تصویر پیامبر (ص) در میان مسلمانان به تناسب نیازهای فرهنگی و فکری هر دوره دگرگون شده است. براون همچنین در بخش دوم کتاب، ضمن معرفی روش‌شناسی نقد حدیث، به ظرافت‌های علم اسناد و تمایز آن از نگاه شرق‌شناسانه اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که مسلمانان خود از نخستین منتقدان تاریخی سنت نبوی بوده‌اند.^۱ در مجموع، این اثر به‌ویژه در فضای غربی سهم مهمی در تصحیح کلیشه‌های رایج از اسلام و پیامبر (ص) دارد و رویکرد میان‌رشته‌ای آن، میان تاریخ، الهیات و جامعه‌شناسی، کتاب را از سطح آثار معرفی عمومی فراتر می‌برد.

با وجود این امتیازات، کتاب از برخی کاستی‌ها نیز خالی نیست. تمرکز غالب براون بر منابع و روایت‌های اهل سنت سبب شده است تا دیدگاه‌های امامیه و زیدیه تنها به‌صورت گذرا مطرح شوند و عمق لازم در تحلیل تطبیقی میان دو سنت بزرگ اسلامی حاصل نگردد.^۲ علاوه بر این، در فصل سوم که به بازنمایی پیامبر (ص) در دوران معاصر اختصاص دارد، نویسنده از پرداختن دقیق به زمینه‌های سیاسی و اجتماعی تحولات مدرن خودداری می‌کند؛ در نتیجه، مباحثی مانند تأثیر استعمار، اسلام‌هراسی و رسانه‌های غربی بر تصویر پیامبر (ص) تنها در سطح کلیات باقی می‌مانند.^۳ در بخش‌هایی نیز، به‌ویژه در تحلیل منابع سیره، لحن نویسنده بیشتر توصیفی است تا تحلیلی، و از ظرفیت تخصصی او در حوزه حدیث کمتر بهره گرفته شده است. در مجموع، کتاب محمد: درآمدی کوتاه اثری است که با وجود اختصار، در معرفی منصفانه و علمی از پیامبر (ص) اسلام برای مخاطب غیرمسلمان موفق است، اما از منظر پژوهش‌های اسلامی تخصصی، نیازمند تکمیل و ژرف‌سازی در حوزه روش‌شناسی و مقایسه میان‌مذهبی است.

۹. کتاب تحریف سخنان محمد (ص): چالش‌ها و انتخاب‌های تفسیر میراث نبوی

کتاب تحریف سخنان محمد (ص): چالش‌ها و انتخاب‌های تفسیر میراث نبوی^۴ اثر دکتر جانانان ای. سی. براون در سال ۲۰۱۴ از سوی انتشارات «وان‌ورد»^۵ منتشر شد. این کتاب یکی از آثار شاخص نویسنده در پیوند دادن دغدغه‌های ایمانی مسلمانان با رویکردهای انتقادی و

1. Ibid., pp. 58–68.

2. Ibid., pp. 70–72.

3. Ibid., pp. 94–108.

4. *Misquoting Muhammad: The Challenge and Choices of Interpreting the Prophet's Legacy*.

5. Oneworld Publications.

تاریخی غربی است. براون در این اثر با نثری روشن و زبانی در عین حال آکادمیک و ادبی، به چگونگی فهم و بازتفسیر سنت نبوی در جهان معاصر می‌پردازد.

او می‌کوشد نشان دهد که چگونه تحریف معنایی و سوءتفسیر فرهنگی می‌تواند به دگرگونی درک مسلمانان و غیرمسلمانان از پیام پیامبر(ص) بینجامد. به همین سبب، کتاب را می‌توان پلی میان الاهیات، تاریخ‌نگاری و گفت‌وگوی تمدن‌ها دانست.^۱

۱-۹. ایده و زمینه شکل‌گیری کتاب

کتاب «تحریف سخنان محمد(ص)» اثری است که در مرز میان پژوهش دانشگاهی، دغدغه دینی و گفت‌وگوی میان فرهنگی شکل گرفته است. براون در مقدمه کتاب تصریح می‌کند که انگیزه نگارش آن نه یک دغدغه صرفاً تاریخی یا کلامی، بلکه واکنشی انسانی و فرهنگی به بحران فهم متقابل میان اسلام و جهان مدرن است.^۲

او در ابتدای مقدمه توضیح می‌دهد که ایده نخستین نگارش کتاب از پیشنهاد یکی از دوستانش پدید آمد که از او خواسته بود نسخه‌ای اسلامی از اثر معروف بارت اِرمَن با عنوان تحریف سخنان عیسی^۳ بنویسد. براون اما این پیشنهاد را نپذیرفت، زیرا قصد نداشت اثری در چارچوب «افشای تاریخی اسلام» بنویسد. به باور او، هدف کتاب نه تضعیف ایمان مسلمانان است و نه بازگویی روایت‌های شکاکانه شرق‌شناسان، بلکه طرح پرسشی اساسی درباره چگونگی تفسیر و بازفهم سنت نبوی در جهان متغیر امروز است.^۴

از همین‌جا عنوان فرعی کتاب نیز معنا می‌یابد: «چالش‌ها و انتخاب‌های تفسیر میراث پیامبر(ص)». براون در مقدمه تصریح می‌کند که بذراصلی این کتاب نه در پژوهش‌های تخصصی، بلکه در تجربه‌های آموزشی و سخنرانی‌های عمومی‌اش میان سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ روییده است؛ جایی که بارها با پرسش‌هایی از این دست روبه‌رو شد: «با این آیه دشوار قرآن چه باید کرد؟ با این حدیث چالش برانگیز چه نسبتی باید داشت؟»^۵

1. Jonathan A. C. Brown, *Misquoting Mubammad: The Challenge and Choices of Interpreting the Prophet's Legacy*. London: Oneworld Publications, 2014.

2. Ibid, p. ix

3. *Misquoting Jesus*.

4. Jonathan A. C. Brown, *Misquoting Mubammad*. P. ix.

5. Ibid, p. x.

او این پرسش‌ها را تکرار دراماتیک همان تقابل دیرین میان نصّ و زمانه، میان عقل مدرن و ایمان سنتی می‌داند. از این‌رو، هدف خویش را نه پاسخ‌گویی قطعی، بلکه آشکار ساختن تنوع پاسخ‌های ممکن و پیامدهای هر انتخاب معرفی می‌کند.^۱

براون در ادامه از موقعیت نگارش کتاب، یعنی شهر ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی، یاد می‌کند و آن را نماد عینی «کثرت‌گرایی تمدنی» می‌خواند: شهری که در آن زنان محجبه با نقاب، مردان با عمامه و دیگران با پوشش غربی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، بی‌آن‌که تهدیدی برای هم باشند. در مقابل، او جامعه آمریکا را قرار می‌دهد که پس از انفجار بوستون، به گفته وی درگیر تمایز قبیله‌ای میان «مسلمان خوب» و «مسلمان بد» شد؛ تمایزی که نه بر مبنای اخلاق، بلکه بر اساس منافع سیاسی شکل گرفته است.^۲ براون این وضعیت را نشانه‌ای از بحران اخلاقی تمدن غرب می‌داند، جایی که معیار خیر و شر از اخلاق به سیاست تقلیل یافته است.

از منظر براون، نگارش این کتاب تلاشی است برای عبور از چنین ذهنیتی و بازگرداندن «عدالت تفسیری» به عرصه گفت‌وگوی میان‌فرهنگی. او در برابر جهان‌بینی خودمحور غربی می‌ایستد و تأکید می‌کند که جهان‌شمولی حقیقی نه در یکسان‌سازی فرهنگی، بلکه در پذیرش هم‌زیستی نظام‌های فکری متنوع است. به باور او، فهم دیگری تنها زمانی ممکن است که سنت فکری و ایمانی او را نه به عنوان انحراف، بلکه به مثابه نظامی معقول و منسجم درک کنیم. این دغدغه در سراسر کتاب امتداد می‌یابد، به‌ویژه در بخش‌هایی که به نسبت میان شریعت و اخلاق مدرن، سنت و نوگرایی، و بحران تفسیر در عصر معاصر می‌پردازد.^۳

در پایان مقدمه، براون لحنی شخصی‌تر می‌یابد و از آموزگارانش، همسر و فرزندش، و مادر فقید خود - دکتر الن براون - یاد می‌کند که این اثر را «کتابی می‌دانست که همیشه باید نوشته می‌شد».^۴ او در این یادکرد عاطفی، بر پیوند میان تجربه زیسته و پژوهش علمی تأکید می‌ورزد. در نگاه او، این کتاب حاصل تلاشی است برای یافتن زبان مشترک میان ایمان و عقلانیت، میان سنت اسلامی و تجربه مدرن، و میان شرق و غرب.

در نهایت، مقدمه کتاب - همان‌گونه که از قلم براون انتظار می‌رود - نه صرفاً یک دیباچه توضیحی بلکه بیانیه‌ای فکری است؛ بیانیه‌ای در دفاع از حق هر فرهنگ برای تفسیر خویش و در نقد

1. Ibid.

2. Ibid, pp. xi-xii.

3. Ibid, p. xiii.

4. Ibid, p. xvii.

داوری‌های ساده‌انگارانه درباره اسلام. از همین آغاز روشن می‌شود که مقصود نویسنده از «تحریف سخنان محمد (ص)» نه تحریف در نقل حدیث به معنای فنی، بلکه تحریف معنایی میراث نبوی از رهگذر سوء خوانی‌های فرهنگی است؛ هم در درون جهان اسلام و هم در نگاه غرب.^۱

۲-۹. ساختار و محتوای اثر

در فصل نخست با عنوان مشکلات اسلام، نویسنده از رویدادهای مصر پس از انقلاب ۲۰۱۱ آغاز می‌کند تا نشان دهد که قرآن و حدیث چگونه در مباحث سیاسی و اجتماعی زنده و تعیین‌کننده‌اند. براون در اینجا نشان می‌دهد که مسئله اصلی، «تعارض اسلام و مدرنیته» نیست، بلکه نحوه قرائت متون مقدس و رقابت مفسران بر سراقتهای دینی است.^۲ او با مرور مواضع جریان‌های مختلف - از سلفیان تا اصلاح‌طلبان و دانشگاهیان سکولار - نتیجه می‌گیرد که همه در نهایت به سنت علما و تفاسیر گذشته متکی‌اند، حتی زمانی که در ظاهر از آن فاصله می‌گیرند.^۳ در بخش پایانی فصل، براون تاریخ مواجهه غرب با اسلام را از قرون وسطی تا عصر روشنگری مرور می‌کند و می‌نویسد که نگاه اروپایی به اسلام همواره با پیش‌فرضی استعماری و فرهنگی آمیخته بوده است؛ از ولتر و منتسکیو تا مکتب خاورشناسی قرن نوزدهم؛ همگی اسلام را «غیر عقلانی و عقب‌مانده» توصیف کردند.^۴ در واقع، براون این فصل را به نقد عمیق میراث شرق‌شناسی اختصاص می‌دهد و بر ضرورت فهم درون‌زاد سنت اسلامی تأکید می‌ورزد.

در فصل دوم با عنوان نقشه سنت تفسیری اسلامی، براون با تکیه بر آثار شاه ولی‌الله دهلوی (متوفی ۱۷۶۲م) چارچوب تاریخی تطور فهم قرآن و حدیث را ترسیم می‌کند.^۵ او از دل این روایت، مسیرهای فکری فقیهان و متکلمان سنی را بررسی می‌کند؛ از ابوحنیفه و مالک و شافعی تا متکلمان اشعری و متصوفه. در این فصل، نویسنده نشان می‌دهد که چگونه تلاش برای فهم وحی میان سه محور اصلی تقسیم شد: کلام خدا، تعلیم پیامبر (ص)، و عقل انسان. براون در ادامه مفهوم اجتهاد و نظریه‌های اولیه علم اصول فقه را توضیح می‌دهد و می‌گوید سنت اسلامی در قرون میانه به مرحله‌ای از «هم‌گرایی بزرگ» رسید که در آن عقل، نقل و عرف به تعادلی پیچیده دست یافتند.^۶

1. Ibid, p. xix.

2. Ibid., pp. 1-27.

3. Ibid., pp. 30-33.

4. Ibid., pp. 37-45.

5. Ibid., pp. 47-60.

6. Ibid., pp. 84-93.

او تصریح می‌کند که این نظام تفسیری در قرن نوزدهم در مواجهه با استعمار و نوسازی سیاسی دچار گسست شد.

فصل سوم با عنوان حقیقت شکننده متن مقدس به مسئله اعتبار معرفت دینی می‌پردازد. براون از بحران تفسیر در عصر مدرن سخن می‌گوید و با مقایسه مباحث قرآنی با الاهیات مسیحی، نشان می‌دهد که هر سنت دینی با «تعارض میان معنا و واقعیت تاریخی» روبه‌روست.^۱ او با بررسی علم اصول فقه، از جمله مباحث زبان خدا، بلاغت پیامبر (ص) و زمان‌مندی احکام، می‌کوشد نشان دهد که علما در واقع نوعی هرمنوتیک عقلانی پیشرفته را قرن‌ها پیش از نظریه‌های مدرن غربی بنیان نهاده‌اند.^۲ در بخش پایانی فصل، نمونه‌ای از اختلاف در عمل دینی - بالا بردن دست در نماز - را به عنوان مطالعه موردی بررسی می‌کند تا نشان دهد چگونه تغییر بافت اجتماعی می‌تواند در فهم حدیث تأثیر بگذارد.^۳

از فصل چهارم تا هفتم، نویسنده به مباحث تطبیقی و مناقشه‌برانگیز می‌پردازد، فصل چهارم: تفسیر آیات جهاد، زنان و سیاست؛ او مفهوم «چسبیدن به قانون» را در جهانی گسسته بازخوانی می‌کند و جدال میان سنت و ارزش‌های مدرن را می‌کاود.^۴ فصل پنجم: مقایسه جنبش‌های اصلاحی اسلامی با اصلاح دینی در مسیحیت و تبیین «پارادوکس سنت»؛ براون نشان می‌دهد که بازگشت به متن بدون تکیه بر سنت، خود نوعی سنت‌گرایی جدید است.^۵ فصل ششم: بحث درباره جعل حدیث و «دروغ نیکو» که در آن علما گاه برای اهداف تربیتی از روایات ضعیف استفاده کرده‌اند؛ او این رویکرد را با نقد غربی نسبت به دروغ مصلحتی در فلسفه مقایسه می‌کند.^۶ فصل هفتم: بحران تفسیر در مواجهه با متونی که «نمی‌توانند صادق باشند»، مانند آیه تنبیه زنان یا احادیث خشونت؛ براون با بهره‌گیری از هرمنوتیک شک‌گرایانه، نشان می‌دهد که گاه جامعه مؤمنان میان معنا و اخلاق در تعلیق می‌ماند.^۷

در فصل پایانی، نویسنده نتیجه می‌گیرد که فهم سنت اسلامی بدون درک تاریخی و نهادی علم حدیث ممکن نیست. براون تأکید می‌کند که مسئله اصلی در اسلام نه نصوص، بلکه نهاد

1. Ibid., pp. 105–112

2. Ibid., pp. 120–135.

3. Ibid, pp. 140–145.

4. Ibid., pp. 155–176.

5. Ibid., pp. 190–208.

6. Ibid., pp. 230–249.

7. Ibid., pp. 270–281.

تفسیر است و این نهاد، همزمان که حافظ سنت است، منبع بحران نیز می‌شود. او می‌نویسد که آینده اسلام به توانایی مسلمانان در برقراری تعادل میان وفاداری به متن و حساسیت اخلاقی زمانه بستگی دارد.^۱

۱۰. نتیجه‌گیری نهایی

سیر فکری و پژوهشی دکتر جاناتان ای. سی. براون را می‌توان نمونه‌ای کم‌نظیر از تحول درونی اسلام پژوهی معاصر دانست؛ تحولی که از بازخوانی انتقادی سنت حدیث آغاز شده و در نهایت به طرحی فلسفی، اخلاقی و هرمنوتیکی از نسبت دین، متن و مدرنیته انجامیده است. مسیر فکری براون از پژوهش تاریخی در نهادهای حدیثی آغاز می‌شود، اما در آثار متأخرش به سوی نظریه‌ای جامع در باب «امکان تفسیر» در جهان معاصر گسترش می‌یابد.

در نخستین مرحله از این مسیر، براون با اثری بنیادین درباره‌ی «قانونی شدن صحیح بخاری و صحیح مسلم» نشان داد که اقتدار حدیث در تمدن اسلامی را نباید تنها بر پایه‌ی اصالت تاریخی روایات سنجید، بلکه باید آن را حاصل تعامل میان سه مؤلفه دانست: متن، اعتبار علمی، و هویت جمعی جامعه‌ی مؤمنان. در این چارچوب، حدیث نه سندی صرفاً نقلی، بلکه نهادی زنده در حیات دینی و اجتماعی مسلمانان است. چنین نگاهی، مطالعات حدیث را از سطح بررسی اسناد و روایان، به مرحله‌ای جامعه‌شناختی و معرفتی ارتقا داد و نشان داد که مرجعیت دینی در اسلام نتیجه‌ی فرایندهای تدریجی مشروعیت بخشی در بستر تاریخ و فرهنگ است.

در مرحله‌ی دوم، در کتاب «حدیث: میراث محمد در جهان میانه و معاصر»، او نگاه خود را از سطح تاریخی به افق تمدنی گسترش داد. براون در این اثر، سنت حدیثی را ستون فقرات اندیشه‌ی اسلامی معرفی می‌کند و می‌کوشد آن را در سه قلمرو اصلی فقه، کلام و تصوف بازخوانی کند. او با تکیه بر رویکردی میان‌رشته‌ای، حدیث را نه تنها ابزار فهم دین، بلکه زبان گفت‌وگوی درونی تمدن اسلامی می‌داند؛ زبانی که قرن‌ها الهیات، اخلاق، عرفان و سیاست را به یکدیگر پیوند داده است. در این نگاه، حدیث دیگر صرفاً موضوعی برای دفاع یا نقد نیست، بلکه آیینی است که در آن جامعه‌ی اسلامی خود را بازمی‌نگرد و معناهای خویش را بازتولید می‌کند.

مرحله‌ی سوم سیر فکری براون، در آثاری مانند «محمد: درآمدی کوتاه» و به‌ویژه «تحریف سخنان محمد (ص): چالش‌ها و انتخاب‌های تفسیر میراث نبوی» آشکار می‌شود. در این

مرحله، او از تاریخ به اخلاق و از نهاد به معنا حرکت می‌کند. براون مفهوم «تحریف سخنان پیامبر(ص)» را در معنایی فرهنگی و تفسیری به کار می‌گیرد و بر این باور است که بحران کنونی فهم دین، نه از نقصان متون، بلکه از بحران نهاد تفسیر ناشی می‌شود. به بیان دیگر، مشکل اسلام در عصر مدرن، کمبود حدیث نیست، بلکه فقدان چارچوبی منسجم برای گفت‌وگوی میان سنت و عقلانیت معاصر است.

او در برابر این بحران، راهی را پیشنهاد می‌کند که نه بر نفی سنت استوار است و نه بر تسلیم در برابر مدرنیته، بلکه بر گفت‌وگوی درونی میان عقل، ایمان و اخلاق بنا می‌شود. در نظر او، تفسیر عادلانه زمانی تحقق می‌یابد که مفسر بتواند ارزش‌های دیگری را بفهمد بی‌آن‌که از باور خود دست بشوید؛ و همین را «عدالت تفسیری» می‌نامد.

در کتاب «برده‌داری و اسلام»، این نگاه اخلاق‌محور به اوج می‌رسد. او در این اثر به جای دفاع یا انکار احکام شریعت، می‌کوشد آن‌ها را در بافت تاریخی و فرهنگی‌شان تبیین کند و نشان دهد که چگونه می‌توان از درون سنت اسلامی، بنیانی اخلاقی برای گفت‌وگوی جهانی درباره‌ی کرامت انسان به دست آورد. براون در این اثر نیز بر همان اصول معرفتی پای می‌فشارد: ضرورت گفت‌وگوی میان سنت و مدرنیته، امکان همزیستی ارزش‌ها، و احترام به پیچیدگی‌های تاریخی دین.

اگر به مجموع آثار او بنگریم، می‌توان سه محور اساسی را در اندیشه‌ی وی بازشناخت. نخست، بازتعریف اقتدار سنت اسلامی است. او اقتدار متن دینی را امری تاریخی، نهادی و میان‌ذهنی می‌داند که در تعامل میان عالمان، نهادهای علمی و جماعت مؤمنان تکوین می‌یابد. دوم، پیوند میان ایمان سنتی و عقلانیت مدرن است. براون می‌کوشد نشان دهد که سنت اسلامی ظرفیت گفت‌وگو با جهان جدید را دارد، بی‌آن‌که هویت خود را از دست بدهد. و سوم، اخلاق تفسیر و عدالت فرهنگی است؛ او در برابر یکسان‌سازی فرهنگی غرب، از حق هر فرهنگ برای تفسیر خویش دفاع می‌کند و معتقد است که جهان‌شمولی حقیقی تنها در پذیرش چندصدایی سنت‌ها و نظام‌های عقلانی ممکن است.

در پرتو این سه محور، براون نه یک مدافع سنت‌گرایی صرف است و نه منتقدی سکولار؛ بلکه مفسری میان‌فرهنگی است که کوشیده است پل ارتباطی میان شرق و غرب، ایمان و عقل، سنت و مدرنیته برقرار کند. در نگاه او، سنت اسلامی نه میراثی منجمد، بلکه منبعی زنده برای تفکر، اخلاق و الهام معنوی در جهان امروز است.

اسلام پژوهی براون الگویی تازه از مواجهه با دین ارائه می دهد: الگویی که در آن پژوهشگر مسلمان دانشگاهی از مرزهای دفاع گرایی سنتی فراتر می رود و در عین حفظ ایمان، به نقد علمی و گفت و گوی صادقانه تن می دهد. آثار او نشان می دهد که اگر سنت اسلامی با حساسیت اخلاقی و دقت روش شناختی خوانده شود، هنوز می تواند در قرن بیست و یکم الهام بخش خرد انسانی و منبعی برای گفت و گوی جهانی ادیان و تمدن ها باشد.

در نهایت، اندیشه ی براون یادآور این حقیقت است که بازگشت به سنت، اگر با درک تاریخی و نگاه اخلاقی همراه شود، نه بازگشت به گذشته، بلکه راهی برای احیای گفت و گوی میان انسان و ایمان در دنیای معاصر است. او در میان اسلام پژوهان نسل جدید غرب، چهره ای است که از مرزهای تاریخ و حدیث فراتر رفته و در قلمرو فلسفه ی تفسیر، اخلاق دینی و الهیات تطبیقی، صدایی تازه و جهانی پدید آورده است.